

پایه روستایی احمدی نژاد پیک دروغ است!



بسیجی هایی که در روستاها به احمدی نژاد رای داده اند، در شهر به عنوان دانشجوی به مقابل سفارت انگلیس فرستاده شده اند. برگرفته از سایت روشنگری

بقیه در صفحه ۹

به همه افراد و سازمان های پیشرو و مدافع حقوق بشر

بقیه در صفحه ۱۲

یکشنبه ۱۴ تیرماه خانواده های دستگیر شدگان

در مقابل زندان اوین تجمع نمودند.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بقیه در صفحه ۷

خرداد خونین، اسامی ۳۴ کشت و

۷۰۰ نفر از بازداشت شدهگان

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

بقیه در صفحه ۱۰

اعلامیه ی هیئت اجرایی سازمان

به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر

۱۸ تیر، روخانه ای که به دریا پیوست!

اطلاعیه هیئت اجرایی سازمان

در باره پایان

فعالیت های مشترک تشکیلاتی

بقیه در صفحه ۲

بیانیه هیئت اجرایی سازمان

در رابطه با دعوت مادران عزادار از مردم

بقیه در صفحه ۳

مصاحبه رادیو سپهر با رفیق محمد رضا شالگونی

در رابطه با جنبش اعتراض اخیر در ایران!

بقیه در صفحه ۳

از ترس به ارباب روی آورده اند.

چرا باید در برابر سیاست ارباب مقاومت را سازمان داد؟

ارژنگ بامشاد

بقیه در صفحه ۸

در دهسالگی خیزش ۱۸ تیر

۱۳۷۸ اینبار مردمان ایران می گویند :

ما تازه آغاز کرده ایم و در راه ایم !

امیرجوهری لنگرودی

بقیه در صفحه ۷

اعتصاب کارگران هفت تپه

در اعتراض به کار در شرایط بد آب و هوایی.

بقیه در صفحه ۱۰

اعلامیه ی هیئت اجرایی سازمان به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر

۱۸ تیر، روخانه ای که به دریا پیوست

ده سال پیش، در روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیرماه ۱۳۷۸، جنبش دانشجویی و جوانان کشور، در اعتراض به طرح های سرکوب گرانه رژیم و حملات لباس شخصی ها و بسیجی های تحت فرمان ولی فقیه به کوی دانشگاه، جنبش اعتراضی گسترده ای سازمان دادند که فریاد مرگ بر استبدادش تهران و ایران را لرزاند. جنبش ۱۸ تیر، هر چند در ابتدا در اعتراض به بسته شدن روزنامه "سلام" که طرح سعید امامی در مورد لایحه مطبوعات را افشا کرده بود، شروع شد، اما خیلی زود جوهر آزادی و برابری طلبانه و ضد استبدادی خود را نشان داد. تظاهرات ده ها هزار نفری در تهران، و فریادهای آزادی خواهانه ی دانشجویان و جوانان و مردمی که به آن ها پیوسته بودند، نشان داد که مردم از استبداد دینی ولایت فقیه به تنگ آمده اند. گسترش اعتراضات آزادی خواهانه که یک هفته ادامه داشت، دستگاه ولایت را بشدت نگران ساخته بود. هفت تن از فرماندهان سپاه به نژد ولی فقیه رفتند و فرمان سرکوب را دریافت کردند. از آن پس این حرکت آزادی خواهانه با خشونت بی نظیری سرکوب شد. اصلاح طلبانی که با این حرکت همسو شده بودند، بویژه در زمانی که قدرت اجرایی را نیز در اختیار داشتند، از حرکت کناره گرفتند و راه برای قلع و قمع جنبش اعتراضی هموار شد. سرکوب گران که فکر می کردند با سرکوب ۱۸ تیر، خود را "بیمه" کرده اند، از عمق خشم و نفرت مردم که همچون آتشفانی خاموش در جریان بود بی خبر بودند. آن ها نمی دانستند که رودخانه آزادی خواهی و عدالت طلبی ۱۸ تیر، دیر یا زود به دریای جنبش توده ای خواهد پیوست.

ده سال بعد، در ۱۸ تیرماه ۱۳۸۸، در شرایطی به استقبال سالگرد آن حرکت با شکوه می رویم که جنبش آزادی و برابری طلبانه مردم، گام های بلندی به جلو برداشته است. تظاهرات میلیونی مردم از ۲۳ تا ۳۰ خرداد ماه ۸۸، با خواست ابطال انتخابات و شعارهای گوناگون از جمله مرگ بر دیکتاتور، برای آزادی، برای برابر حقوقی زنان با مردان، برای حق رأی آزاد، همگانی و مخفی، برای پایان حکومت دروغ و تزویر و تقلب، برای نفی استبداد دینی و برای پایان دادن به حکومت کودتا، ارکان استبداد دینی ولایت فقیه را لرزاند.

این بار، اما حرکت اعتراضی، تنها به دانشجویان و جوانان محدود نبود؛ آن ها به دریای خروشان مردم پیوسته بودند و پیوند سرور انگیزی از جنبش های کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان و خلق های تحت ستم را به نمایش گذاشتند؛

این بار، جنبش اعتراضی به تهران محدود نبود، این جنبش، تمامی شهرهای بزرگ و تأثیر گذار در چهارگوشه ایران را در بر گرفته بود؛ و ایرانیان مهاجر و آواره و ساکن خارج از ایران را نیز با خود همراه داشت؛

این بار حرکت آزادی خواهانه، تنها به تظاهرات در روزهای معینی خلاصه نمی شد، حتی شب ها نیز بر بام خانه های شهرهای گوناگون، فریاد میلیونی "الله اکبر" و "مرگ بر دیکتاتور" تاریکی "شب" را می شکافت؛

این بار حرکت شکوهمند، در سکوت و انزوا به خاک و خون کشیده نشد، پیام این حرکت، علیرغم سانسور تمام عیار دولت کودتا، جهان را در بر گرفت. خبر این خیزش، برای یک هفته در صدر اخبار رسانه های جهان بود و همبستگی و همدلی افکار عمومی مترقی در سطح جهان را با خود همراه ساخت.

این بار خیزش مردمی، آن چنان زمین استبداد را شخم زد که حتی بخشی از وفاداران نظام اسلامی، نیز دریافتند که چنگک های استبداد ولایتی حتی آن ها را نیز دارد خفه می کند و در مقابل آن ایستادند؛

و این بار، جنبش اعتراضی، تنها رودخانه ای نبود که سپاه استبداد و بسیج جاهلان بتوانند در مقابلش سد سرکوب بر پا کنند. این بار، دریا به حرکت در آمده بود. "دریا عظیم، دریا صبور، دریا شکوه حوصله ی خشم، دریا همواره مادر طوفان"

اسم، در دهمین سالگرد حرکت با شکوه ۱۸ تیر، در گرامی داشت آن، می بایست دستاوردهای جنبش مردمی را پاس داشت. می توان از هر شکل و امکانی که موجود هست و از همه ابتکارات ممکن و مؤثر به اعتراضات توده ای اخیر ادامه داد. حال که دولت کودتا از ترس برگزاری بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه هیئت اجرایی سازمان در باره پایان فعالیت های مشترک تشکیلاتی

از پی سال ها بحث نظری درون تشکیلاتی که در مواردی* خصلت علنی نیز یافته است و به دنبال فرا رویندن اختلافات تشکیلاتی (اختلاف در بین تشکیلاتی و اصول حاکم بر مناسبات تشکیلاتی) به اختلافات سیاسی و برنامه ای با بخشی از رفقای سازمان، گرایشات فکری - تشکیلاتی شکل گرفته تری در سازمان ما بوجود آمد. این گرایشات، در جریان فعالیت مشترک تشکیلاتی در چند سال اخیر، این جا و آن جا به تعبیر گوناگونی از نحوه سازماندهی فعالیت تشکیلات و اصول حاکم بر مناسبات تشکیلاتی، منتهی شدند. در این رابطه درک از رابطه فرد با تشکیلات، جایگاه نظر فردی نا هم خوان یا مخالف با نظر تشکیلاتی، نقش ستون دیدگاه در سایت سازمان، نحوه ی تنظیم رابطه اقلیت و اکثریت، یا ضرورت وجودی چنین رابطه ای، به شکل برجسته تری دو درک از حزب و بنابراین اساسنامه سازمانی را در برابر هم قرار داد. این گرایشات، در روند گسترش خود، بیش از آن که تقویت کننده توان مبارزاتی سازمان باشد، به خنثی کردن نیروی تشکیلات در بحث های بی فرجام، انجامید. وضعیتی که سال پیش و قبل از کنگره سیزدهم سازمان خصلت بحرانی یافته و به فلج شدن فعالیت های تشکیلاتی منجر شد.

کنگره سیزدهم سازمان، مباحث مورد اختلاف را به دقت مورد بررسی قرار داد و بر تداوم فعالیت های تشکیلاتی بر پایه اساسنامه و مصوبات تاکتونی سازمان، بر تمایز میان نظرات فردی نا هم خوان و مخالف با نظرات مصوب تشکیلاتی و ستون دیدگاه و تبعیت اقلیت از اکثریت، تاکید ورزید. تلاش کنگره سیزدهم بر آن بود تا نقطه پایانی بر بن بست فعالیت تشکیلاتی نهاده و بر پایه قواعد روشن و مناسبات تعریف شده و ریفقانه، به گسترش فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی یاری رساند.

با کمال تأسف در چند ماه اخیر، بخشی از اعضای سازمان با زیر پا گذاشتن مصوبات کنگره سیزدهم، به نقض آشکار آن مصوبات پرداخته و فضای مناسباتی ماقبل کنگره سیزدهم را به شکل همه جانبه و عمیق تری احیاء کردند که وارد شدن در شرح تفصیلی آن را مفید نمی دانیم. متأسفانه اکثریت کمینه مرکزی نیز با عدول از وظایفی که کنگره سیزدهم به آنها به مثابه ارگان مرکزی محول کرده بود، با این بخش از اعضاء همراه شدند. رفقانی که این فضا را باز آفریده و با یا با آن همراه شدند، همگی از نقطه نظرات تاکتیکی و برنامه ای یکسانی برخوردار نیستند اما از طریق عملکرد خود و عدم پای بندی به قرارهای کنگره های سازمانی و بویژه کنگره سیزدهم تداوم فعالیت مشترک تشکیلاتی را ناممکن کردند.

چنین وضعیتی با از بین بردن پایه های اعتماد در مناسبات سازمانی و زیر پا گذاشتن مصوبات کنگره ها، به ویژه در شرایطی که جنبش انقلابی بیش از همیشه به فعالیت مؤثر و هدفمند سیاسی احتیاج دارد، امری نبود که بتوان به آن ادامه داد. از این رو پس از چندین ماه بحث فشرده و پیشنهادات ارائه شده از سوی ما برای حل بحران که بی جواب ماند به این نتیجه رسیدیم که به فعالیت مشترک تشکیلاتی پایان دهیم.

ما اعضای سازمان که خود را پای بند برنامه، اساسنامه و مصوبات تاکتونی سازمان می دانیم تا برگزاری کنگره چهاردهم از میان خود یک هیئت اجرایی انتخاب کرده ایم که فعالیت های مان را در چهارچوب مصوبات تاکتونی سازمان هدایت کرده و مواضع مان را از طریق سایت، نشریه، اعلامیه ها و اطلاعیه های سازمان، با امضای هیئت اجرایی، منتشر سازد.

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۱۵ تیرماه ۱۳۸۸ - ۶ ژوئیه ۲۰۰۹

* برای نمونه مراجعه شود به "ستون مباحثات درباره سازمان و تشکل یابی" در سایت سازمان

بیانیه هیئت اجرایی سازمان در رابطه با دعوت مادران عزادار از مردم

مادران عزاداری که فرزندان شان را در جریان اعتراضات و واکنش ها و تظاهرات توده ای وسیع علیه رژیم کودتایی احمدی نژاد-خامنه ای از دست داده اند در بیانیه دوم خود از مردم خواسته اند تا به تجمع های اعتراضی آنان بپیوندند. آن ها با این گردهمایی ها که با آفریختن شمع و در دست گرفتن عکس جوانان به خون خفته خود توأم است سعی می کنند مبارزه عزیزان خود را با ارتجاع مسلط حاکم ادامه داده ، اجازه ندهند این خون های بر زمین ریخته به هدر برود. در این بیانیه آمده است تجمع مادران در پارک های مختلف تهران انجام خواهد شد .

سازمان ما همصدا با این مادران دلیر ومبارز ، پیام آنان را برای مردمی که منطق کودتاگران را نمی پذیرند و اخبار و سندسازی های رادیو-تلویزیون رژیم و روزنامه های وابسته به آن را نادیده میگیرند تکرار می کند. دعوت این مادران را بدون پاسخ نگذاریم و در نشست های آرام وسوگوارانه شان در کنارشان باشیم و یاد عزیزانشان را که لاله های سرخ این آب و خاک هستند گرامی داریم. این نخستین بار نیست که در سی سال حکومت جهل وسرمایه، مادران داغدار در سوگ ازدست رفتگان خویش و در راستای افشای جنایات رژیم تشکیل های خودجوشی را بوجود می آورند . از آن جا که رژیم جمهوری اسلامی از همان بدو تاسیس در سال ۱۳۵۷ تعقیب ، دستگیری ، شکنجه و اعدام و تیرباران فعالین سیاسی کمونیست و آزادیخواه و رهبران کارگری را در صدر فعالیت های خود قرار داده، مادران بسیاری داغدار فرزندان عزیز خود شده اند. بدنبال کشتارهای وسیع زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و بخصوص در سال ۱۳۶۷ که بدستور شخص خمینی صورت گرفت مادران مبارزین کشته شده هر سال در ماه شهریور با تجمع در خاوران -محل دفن این انقلابیون-یاد آنان را گرامی می دارند . در تابستان ۱۳۸۷ رژیم جمهوری اسلامی در هراس از گسترش چنین سنتی با بولدوزر به گورستان حمله ور شد و بناهای یادبود و سنگ نوشته ها را از بین برد و تجمع مادران داغدار و خویشان و رفقای به خون خفته را متفرق کرد.

تنها چند ماهی پس از این حادثه ، خیابان های تهران شاهد با شکوه ترین و گسترده ترین تظاهرات علیه رژیم ارتجاعی حاکم بود. این تظاهرات به روشنی نشان داد که تا زمانی که ارتجاع حاکم با زور سر نیزه و تکیه بر عقب افتاده ترین اینولوژی های دینی ، بی اعتنا به خواست های مردم از جایگاه طبقاتی خود علیه اکثریت مردم زحمتکش دفاع می کند؛ جامعه مترصد موقعیتی است که همچون بشکه باروت منفجر شود . ناراضیاتی ها هر روزه و به تدریج در اعماق جامعه ذخیره می شوند . در حال حاضر ابعاد این ناراضیاتی و رادیکالیسم نهفته در آن به حدی گسترده است که رژیم را نیز غافلگیر کرده است . ریختن سگ های زنجیری لباس شخصی و بسیج به جان مردم ، آن هم در مقابل چشمان خیره جهانیان که از طریق یوتوب وقایع ایران را دنبال می کنند. به گلوله بستن مردم در خیابان ، دستگیری هزاران نفر و شکنجه و آزار آنها، اعدام سرزندانان با احکام جنایی و اعدام ۵ دانشجوی کرد در کرمانشاه به منظور ایجاد رعب و وحشت نشانه هایی از این غافلگیر شدن است .

ما مطمئن هستیم حرکت شجاعانه مادران داغدار با استقبال مردمی روبرو خواهد شد . آنها زنان و مردان به خاک وخون افتاده را خواهران و برادران و فرزندان خود به حساب می آورند . همه با هم در کنار مادران سوگوار یاد عزیزان از دست رفته مان را گرامی بداریم .

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۰ تیر ۱۳۸۸

مصاحبه رادیو سپهر با رفیق محمد رضا شالگونی در رابطه با جنبش اعتراض اخیر در ایران!

رحیمی : در برنامه امروز (جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۸۸ برابر با ۳ ژوئیه ۲۰۰۹ میلادی) طبق روال جمعه ها، به گفتگو می نشینیم با آقای محمدرضا شالگونی، از فعالین اپوزیسیون چپ خارج از کشور و از تحلیلگران برجسته مسائل ایران، منطقه و جهان. آقای شالگونی با درود به شما .

محمد رضا شالگونی : سلام عرض می کنم آقای رحیمی خدمت شما و سلام عرض می کنم خدمت شنوندگان عزیز رادیو سپهر. در خدمتتان هستم. **رحیمی :** آقای شالگونی پس از هجوم وحشتناک نیروهای انتظامی و بویژه لباس شخصی ها به مردم و ایجاد اربعایی که ناشی از کشتار بی رحمانه مردم بود و پس از آنکه شورای نگهبان اعلام کرد که درستی انتخابات را تایید می کند و احمدی نژاد برنده این انتخابات است و نه بر اساس باور مردم آقای موسوی؛ بسیاری از هموطنان بویژه خارج از کشور که می شود گفت از دور دستی بر آتش داشتند و خبرها را نه مستقیم که بالاچار تمامی از منابع دولتی دریافت می کردند دچار نوعی دلسردی و اندوه ناشی از عدم موفقیت و بویژه ناامیدی شدند اما می بینیم که خوشبختانه علیرغم آنکه بظاهر مردم داخل ایران نشان می دادند که از کاندیداهایی که به آنها رای داده و رایشان ناپدید گرفته شده حمایت می کنند دست از مبارزه نه برای بر سر کار آوردن این کاندیداها که تحقق افکار و اندیشه هائی به مراتب والا تر و دست نیافتنی تر همچنان در حال تلاش اند و بنیان یک مبارزه پیگیر هدفدار و مترقی را دارند که خواه ناخواه در نهایت به مردم سالاری و رسیدن به آزادی و استقرار دموکراسی منجر خواهد شد. می خواستم با توجه به رویدادهائی که از هفته گذشته تا کنون در ایران اتفاق افتاده و جنباعالی حتماً پیگیر دقیق آنها بودید نظرتان را بدانم .

محمد رضا شالگونی : اولین نکته عبارت از این است که ادامه تظاهرات خیابانی هر قدر هم آرام ، هر قدر هم صلح آمیز از حد معینی بیشتر ممکن نبود. خیلی روشن است همانطور که شما هم مطرح کردید سرکوبهای خشن وجود دارد. جلوی مردم را می گیرند، دستگیری های وسیعی است، تمام ارتباطات مردم قطع شده، همه اینها را در نظر بگیرید. در واقع اینکه تظاهرات خیابانی متوقف شده عجیب نیست، عجیب این است که علیرغم تمام آن وحشتی که برای مردم ایجاد کرده بودند چطور حرکت آنهاهم زمان طولانی -حدود دو هفته بعد از انتخابات - حرکت با ابعاد وسیع ادامه پیدا کرد. این نشانه پتانسیل و توان جنبش اعتراضی مردم بود که واقعاً بعد از انقلاب ۵۷ بی سابقه بود و ما چنین چیزی را نداشتیم. مثلاً حوادث سال ۱۳۶۰ را در نظر بگیرید. آنجا واقعیت این بود که انقلاب هنوز تازه بود، مردم هنوز در خیابانها بودند ولی حتی آن موقع حرکت ها خیلی به ابعاد توده ای اش (مخصوصاً مردم عادی شرکت کننده) خیلی اینطور نبود. این حرکتها یک حادثه بسیار بزرگی بود. من این را قبلاً گفته ام و باز هم تکرار می کنم که اگر هیچ حادثه ای اتفاق نیفتد تا همین جا که حرکتی که پیش آمده اینجا متوقف بشود ضربه مهلکی بر جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه وارد شده است . و این چیزکمی نیست . بنابراین این تصویر که گویا حرکت ها می توانست با همان روال بی نهایت ادامه پیدا می کند مسلماً تصور ساده لوحانه ای بود . با توجه به اینکه یک عده ای از رژیم همچنان حمایت می کنند . ما باید تصور واقعی داشته باشیم . این طور نیست که اصلاً طرفداران رژیم گویا هیچ هستند و اصلاً نفوذی ندارند ، همه شان آب شده اند و زیر زمین رفته اند. نه اینطوری نیست. بنابراین حرکت های توده ای بسیار گسترده بنظرم گویای خیلی چیزها بود و نباید هم نامید شد . همانطور که در اوج تظاهرات هم بایستی هوش و حواسمان را جمع می کردیم که این حرکت جا پائی دارد و ابعادی دارد و مضمون محتوایش هم در ابعاد خاصی است و بیش از آن هم نباید اغراق می کردیم . اکثریت قاطع مردم از کلیت نظام ، از سیستم این حکومت مذهبی ناراضی اند. منتها معنایش این نیست که مردم دست به نقد و با صراحت حکومت را براندازند . میدانید که شعارها اوائل از اینکه ابطال انتخابات باشد فراتر نرفت . اعتراض به مسئله تقلب انتخاباتی باشد فراتر نرفت . بعداً که سرکوبها شروع شد در بخشی از حرکت ها شعار " مرگ بر دیکتاتور " داده می شد و حتی صراحتاً در مواردی از خامنه ای اسم برده می شد. ولی اینها شعارهای اصلی اصلی نبودند . بنابراین هر چیزی رایباید با آن چه که واقعاً جریان دارد ارز یابی بکنیم. البته به این معنا نیست که علل و ریشه و پتانسیل اش را یعنی آنچه را که میتواند بشود نادیده بگیریم . آن چیزی که نقداً وجود دارد این جنبش مستقیم براندازی نبود یعنی یک جنبش که انقلاب می خواست . یعنی در فراسوی جمهوری اسلامی چیزی را علناً مطرح می کند ، نبود.

می بایستی آن موقع هم هوش و حواسمان را بیش از آنچه در جنبش مطرح می شود برای خودمان حساب باز نکنیم . باز هم تکرار می کنم البته واقعیت این است که برانگیختگی توده ای با آن تداوم حیرت انگیز ی که جریان داشت نشان دهنده این بود که مردم از رژیم به جان آمده اند و این واقعیت انکار ناپذیری است . در واقع جمهوری اسلامی سخته کرده و در این تردیدی نیست و حالا هم نباید دچار ناامیدی بشویم . تظاهرات خیابانی تداومش متوقف شده است . چاره ای جز این هم نبود . مردم نمی توانستند جز این ادامه بدهند . چرا که جلوی گلوله می رفتند ، دستگیر می شدند . شهادت ندا آقا سلطان را در نظر بگیرید خیلی ها و از جمله نامزدش می گوید که (ممکن است نامزدش از ترس این را بگوید) ندا ضرورتاً طرفدار موسوی و یا کس دیگری نبود . ولی سمیاتی داشت به حرکت مردم و خواست مردم در همین حد . ولی وقتی که یک دختر جوانی را می کشند که نه اسلحه ای در دست داشته و نه به جانی حمله کرده بود می شود این تعبیر را کرد که بعضی را تک تیر اندازها می کشند تا اینکه رعب ایجاد کنند . در خیابان کسانی جلوی چشم همه کشته می شوند ، طبیعی است که هر کس که به خیابان می رود بلافاصله با خودش فکر می کند گلوله به من هم می تواند بخورد . بنابراین با احتیاط حرکت می کند ، به خیابان نمی رود . اینها چیزهای مهمی هستند . در تاکتیک های شناخته شده ضد شورش همه جا جزو کتابهای درسی ضد شورش آمده که یکی از شگردها وحشت ایجاد کردن در دل مردمی است که به اعتراض آمده اند . مثلاً مردمی که یک حرکتی کرده اند متوجه شوند که اوضاع خیلی خراب است ، بترسند و مرعوب بشوند . بنابراین آن تیراندازی هانی که کرده اند و سرو سینه را مورد هدف قرار داده اند ، این معنا دارد . این نشان می دهد که می خواستند مردم را بترسانند . هدف تنها فقط کشتن کسانی نبود که گویا کاری کرده بوده یا شخصی را نشانه گرفته بودند که این فلان کس است و باید کشت . می شود یک آدم ناشناخته را کشت تا در کل جمعیت رعب ایجاد کرد . این را همین جا داشته باشید . طرف دیگر اینکه اعتراضات عمومی ادامه دارد . در این هیچ تردید نیست . دیدید که در هفت تیر به مناسبت کشته شدن هفت تیری که در مسجد قبا از طرف خود رژیمی ها برگزار شده بود تظاهرات نسبتاً مهمی بوجود آمد . این را نمی شود نادیده گرفت . از طرف دیگر بایستی توجه کرد که مثلاً موسوی ، کروبی ، خاتمی ، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ، مجمع روحانیون مبارز ، جبهه مشارکت (که לחششان سفت و محکم است) اینها به اصطلاح نهادهای مختلف اصلاح طلبی هستند ، تقریباً همه شان ایستاده اند . حتی آدمی مثل خاتمی که معمولاً حرفهایش را می بیچاند و میگوید وقتی که میگوید : "از پیروزی یک کودتای محملی علیه مردم میشود صحبت کرد."

این خیلی معنا دارد . آدمی مثل خاتمی وقتی این را می گوید روشن است که اصلاح طلبان ایستاده اند . چرا ایستاده اند ؟ این خیلی مسئله مهمی است . واقعیت این است که آنها متوجه هستند که دارند ترتیب جدائی و کندن آنها از حکومت را میدهند . می بینند که دارند سرشان را می برند . بنابراین چاره ای جز ایستادن ندارند . می بینید که موسوی همچنان می گوید که از حرکت های ساختار شکنانه اجتناب کرد . منتها ضمناً هشدار می دهد که یک کاری نکنید که آن روز بیاید که مردم مثل انقلاب 57 به حرکت های ساختار شکنانه روی بیاورند . یعنی به زبان دیگر مردم انقلاب کنند . اینها معنای خاصی دارد . وقتی که از داخل حکومت ، کروبی ، موسوی ، خاتمی ، که محافظان و مدافعان حکومت اسلامی هستند و نمی خواهند این رژیم از بین برود (چون این رژیم سقوط بکند مردم یقه آنها را هم خواهند گرفت) [وامی ایستند]؛ ماجرای مهمی است . وقتی که انقلاب می شود ، فقط به دنبال کسانی نمی روند که جنایات مشخص را فقط در آخرین لحظات انجام داده اند . پرونده همه را رو می کنند . اگر انقلاب بشود علیه جمهوری اسلامی حتی آدمی مثل آقای منتظری را هم ممکن است پرونده اش را بیرون بکشند و بپرسند که شما چه کاره بودید و چه کرده اید و چه نکرده اید . اینها ماجرای مهمی است . وقتی این تیب آدم ها منافع مشخص و حیاتی دارند در حفظ جمهوری اسلامی آشکارا و می ایستند ، نشان دهنده این است که بحران بسیار بسیار عمیقی جلوی رویمان در جریان است .

اگر توجه بکنیم مقاومت مردمی علیه رژیم وسیع ، مداوم و خیلی مشهود است . مقاومت جناح نارضی در داخل حکومت خیلی مشهود است . روابط بین المللی رژیم آشکارا صدمه دیده ، این را می شود دید . و حرفهای بی ربطی که رژیم از سر استیصال می زند نشان می دهد وضعیت جدی است و ممکن است رژیم را به انزوای بیشتری بکشاند ، چیزهای واقعی است . در چنین حالتی رژیم چه می تواند بکند . منظور این نیست که رژیم به پایان کارشان رسیده اند . واقعیت این است که یک سیستم سرکوب

خشن و هار ممکن است در دستور باشد و خواهد بود . فعلاً تا مقاومت وجود دارد سرکوب خواهد بود . فراموش نکنیم که هر قدر حرکت مردمی ، اعتراض مردمی ، شورش مردمی وسیعتر بشود سرکوب کمتر نمی شود بلکه بیشتر می شود .

مطالعاتی که در مورد دولتهای استبدادی شده است نشان میدهد که در دوره های برآمد حرکت توده ای ، سرکوب بیشتر شده است . یعنی یک حالت اختناق داریم که باید توجه کرد که حکومت فضائی درست کرده که مردم صدایشان در نمی آید . ممکن است قتل و کشتار زیاد نباشد . ولی یک حالت سرکوب داریم که مردم فریاد می زنند و طرف مقابل می کشد ولی مردم خاموش نیستند . می خواهیم این را بگویم که وقتی که حرکت توده ای مردم ، اعتراض توده ای مردم وجود دارد خواه ناخواه سرکوب خشن می شود . این یک قانونمندی نظام هانی است که در خطر هستند . اگر چنین است ما باید به این مسئله توجه کنیم که شرایط بسیار مساعدی وجود دارد برای ادامه مقاومت ، برای ادامه اعتراض . منتها نه آنطور که

ما دلمان می خواهد . با دلخواه من و شما که نمی شود حرکت را ادامه بدهیم . اولین مسئله عبارت از این است که ما باید بپذیریم هنوز هم که هنوز است حرکتی که اصلاح طلبان (نه کل اصلاح طلبان ، اصلاح طلبان حکومتی) در راسش هستند اینها پرچم این جنبش اعتراضی را فعلاً در دست دارند . این به آن معنا نیست که مردم گویا از دست رفته اند ، مردم توهم دارند . نه ! شکاف هانی در رژیم است و مردم از این شکافها استفاده می کنند . باید خودتان را به جای کسانی بگذارید که می روند به رژیم اعتراض می کنند . اینها نمی توانند با شعارهای مثلاً مرگ بر جمهوری اسلامی ، زنده باد سوسیالیسم ، که در داخل ایران مالیات دارد به میدان بیایند . اینجا (خارج) که من و شما نشستیم ، راحت می توانیم صحبت بکنیم ولی در داخل مردم دو دو تا چهارتا حساب می کنند . هر حرفی که می زنند می دانند که مالیات دارد و باید برایش هزینه بپردازند . بنابراین با احتیاط و سنجیده حرکت می کنند . و یکی از دلایلی که مردم از شعارهای این کاندیداهای به اصطلاح اصلاح طلب حکومتی استفاده می کنند همین حالتی است که رژیم هنوز بر اوضاع تسلط دارد . یعنی سرکوب است و اینها مسائل کمی نیست . نکته دوم عبارت از این است که وقتی می خواهیم که کل نظام را از میان برداریم ، اگر شما می خواهید وارد میدان شوید و مبارزه بکنید باید ببینید که از طریق مردم می خواهید این کار را بکنید یا بدون مردم . اگر می خواهید مردمی را از کره مریخ بیاورید که برایتان انقلاب بکنند خوب بروید بیاورید . یا آنقدر ساده لوح هستید که با یک تهییج و نمیدانم شلوغ کردن و شعارهای خیلی سرخ و قشنگ دادن ، می شود مردم برانگیخته بشوند ، یعنی انقلاب را یک معادله روانشناسانه می بینید ، خوب از اوضاع عقب هستید . معلوم است که قانونمندی های اوضاع را نمیدانید . اگر واقعاً قانونمندی های اوضاع را بدانیم یعنی کلاً انقلابات و حرکتها توده ای ، جنبش های اجتماعی ، جنبش های سیاسی را بدانیم متوجه می شویم که اگر قرار باشد که مردمی کاری انجام بدهند مثلاً یک سنگ یا یک صخره بزرگ را می خواهید تکان بدهید این را با هر اهرمی ، کلنگی یا چوبی نمی شود تکان داد . این یک اهرم نیرومند می خواهد . این مردم هستند که می توانند حکومت را برکنند . حالا مردمی که از کره مریخ نیامده اند همین ایرانیانی هستند با داور و پیشداوری های هم اکنون موجودشان . پس بنابراین اگر شما با هر برنامه ای که دارید با هر خواستی که دارید که خیلی شان درخشان هستند و من هم طرفدار آنها هستم بایستی در داخل همین جنبش بتوانید برای خودتان راه باز کنید . هر قدر هم شما بگویید و اگر مردم از شعارهای شما طرفداری نکنند مجبور هستید که با آنها بروید تا آنجائیکه قانع بشوند ، تا آنجائیکه توازن قوا عوض بشود تا شعارهای شما مطرح بشود . منظورم عبارت از این است که با گفتن اینکه من یک کمونیست هستم ، من یک سوسیالیسم هستم مردم به سوسیالیسم نخواهند گروید . مردم از خواستههای مشخص حرکت می کنند و برای اینکه شعاری را مطرح بکنند مخصوصاً در شرایط سرکوب ، یک سلسله محاسباتی می کنند . و اگر اینطور است در مقیاس توده ای و میلیونی قرار است مردم عمل کنند و تغییراتی ایجاد شود ، ما مجبور هستیم ، محکوم هستیم در داخل همین جنبش ، همراه همین جنبش پیش برویم . البته تسلیم نشویم ، تن ندهیم ، به شعارهای موجود ولی در حین حال جنبش را به هم نریزیم . گویا مثلاً یک ده هزار نفری را به طرف خود بکشیم اوضاع بهتر می شود . فعلاً تداوم این جنبش توده ای و این اعتراضات بسیار بسیار حیاتی است . اگر این را بشکنیم در واقع حرکت مردم را شکسته ایم . من البته تردید دارم آنهایی که فکر می کنند حتی می توانند کاری بکنند ، توان اینکه این جنبش را بشکنند ، داشته باشند . نه ، ندارند ! واقعیت این است که دینامیسم حرکت توده ای ، باعواملی

که مستقل از ما هستند، در دسترس ما نیستند دارد پیش می رود . بنابراین خوب است که به این مسئله دقت کنیم . بدرستی قانونمندی ها و تحولاتش را ارزیابی کنیم و با آن پیش برویم وگرنه دلبخواهی حرفهای خیلی قشنگی خواهیم زد. و اولین چیزی که هست در حالی که حرکت بزرگ توده ای اتفاق می افتد ، شما در کنار گود می نشینید و مداخله نمی کنید. حال آنکه مداخله کردن در همین جنبش ، وارد شدن در همین جنبش بسیار حیاتی است.

من فکر می کنم در حال حاضر تداوم جنبش از طریق تظاهرات خیابانی و تداوم این حرکات در مقیاس توده ای دشوارتر خواهد شد. بنابراین باید از شیوه های دیگر ، بایکوت ، تحصن ، اعتصاب، مخصوصاً می شود اعتصابات را هر چند بصورت پراکنده، بصورت مختلف ادامه داد . البته خود اعتصاب هم هزینه دارد و باید توجه کرد . مردم نمی روند ناشناس را ببندازند تو خیابان در اعتصابی شرکت کنند آنهم اعتصاب اعتراضی . چنین چیزی را محاسبه می کنند و می بینند اگر این کار را بکنند از کار اخراج خواهند شد به آسانی نمی کنند. ولی یک سلسله شیوه های نافرمانی وجود دارد ، شورش وجود دارد ، اعتراض وجود دارد، که خود مردم به نظر من خیلی روشن نمونه های بسیار زیبایی از آن را به نمایش می گذارند. ابتکاری به خرج می دهند که قبل از آنکه آن را عملی کنند به ذهن هیچ کس نرسیده بود . بنابراین من فکر می کنم جنبش می تواند ادامه داشته باشد و ادامه این جنبش بسیار حیاتی است.

می شود این جنبش را از طریق حرکت ها مخصوصاً خواستهای مثبت یعنی خواست های اثباتی که مردم دارند تقویت کرد (ما همه مردم ، همه آنهایی که اعتراض می کنند) یک سلسله خواستهای منفی داریم و یک سلسله خواستهای اثباتی داریم. خواست منفی چه است ؟ عبارت از این است که مثلاً می خواهیم این حکومت نباشد . این " نه " است. این " نباشد " است . و بر علیه این حکومت اعتراض می کنیم . این شعارهای منفی هستند. یک سری هم شعارهای مثبت داریم که ظاهراً خیلی درخشان و با شکوه نیستند. مثلاً من حقوق عقب افتاده ، نمیدانم از فلان جا مرا بیکار کرده اند ، در فلان جا کسانی را دستگیر کرده اند و الخ... این خواستهای اثباتی هستند که تکه تکه مردم می روند و حرکتهایشان را مطرح می کنند و اعتراضات از این طریق ادامه پیدا می کنند . منتها این اعتراضات در فضای ملتهب به راحتی می تواند مانند جویبارهایی که به هم می پیوندند به هم بپیوندند و حرکت بزرگی را تشکیل بدهند . و این بسیار بسیار حیاتی است که به اهمیت حیاتی تداوم جنبش اعتراضی ، به اهمیت حیاتی حرکت های مردمی باور داشته باشیم و سعی کنیم آن را ادامه بدهیم.

شعارهای رادیکال مهمترین یا تدام جنبش در ابعاد توده ای ؟ به نظر من دومی مهمتر است. این را خیلی صریح می گویم و حاضرم با همه آنهایی که خلاف این را می گویند بنشینم صحبت بکنم و دلایل آنها را بشنوم . و فکر می کنم آنها دلایل روشنی ندارند . تجربیات تمام جنبش های مثلاً دویست سیصد سال اخیر (حالا خیلی عقب نرویم) خیلی روشن این را نشان میدهد . می خواهیم جنبش را رادیکالیزه بکنیم مثلاً من که طرفدار سوسیالیسم هستم ، عیار طبقاتی آن را بالا ببرم و حرکت و ورود آگاهانه کارگران و زحمتکشان را در آن بالا ببرم ؛ باز هم باید در متن این جنبش تلاش بکنیم که از این فضا استفاده کنیم . وگرنه یک چیزهای بی ربط به این فضا که اصلاً برای خودمان بگوئیم ، بی اعتنا به این فضا، نتیجه ای نخواهد داشت.

من فکر می کنم فضا همچنان مساعد است برای ادامه حرکتهای مردم. منتها حرکت با طنین خاصی جلو می رود و قانونمندی دارد و قابل فهم است و روشن است که چطور این طور جلو می رود. یعنی چیز نامفهوم ، چیز عجیبی نیست که چرا اینطور پیش می رود . همه آنهایی که دستی بر آتش داشته اند ، روزی مثلاً در یک اعتراض شرکت کرده اند ، در یک اعتصاب شرکت کرده اند ، در یک تظاهرات خیابانی شرکت کرده اند ، اگر به تجربه شخصی خودشان مراجعه بکنند می فهمند که آدم وقتی در حرکت شرکت می کند با یک مسائل و موانعی روبروست . طرف در یک کشور دمکراتیک نیست که تظاهرات آزاد باشد. ولی در آنجا ها هم می بینید که مردم وقتی می روند به تظاهرات یک حسابهایی می کنند . در این جا سرکوب است، بگیر و ببند است ، بیکاری است، به بدبختی کشاندن خانواده است و بنابراین اینها را باید مورد توجه قرار داد . من موعظه نمی کنم که باید آرام حرکت کرد(البته اصطلاح موعظه اصطلاح خوبی نیست.) توصیه می کنم که به حرکت مردمی باور داشته باشیم این نکته من است .

رحیمی : آقای شالگونی ، شنونده ای زنگ زدند و گفتند که بسیاری در خارج کشور معتقدند که باید دست به اقدام حاد زد ، باید انقلاب کرد باید

مردم را وادار کرد این نظام را در مقابلش بایستند. در حالیکه در داخل کشور همانطور که شما گفتید ما می بینیم مردم با توسل باصطلاح به اصلاح طلبان که میدانند اینها در حکومت هستند و حکومت اینها را تا اندازه ای تحمل می کنند ، می خواهند کارشان را پیش ببرند . در مورد این دیدگاه کسانی که در خارج هستند چه توصیه ای دارید؟

محمد رضا شالگونی: من فکر می کنم آنهایی که چنین حرف می زنند حرفشان خیلی قشنگ است و نیت شان هم خیر است که در آن تردیدی نیست . من هم از آنهایی هستم که معتقدم که باید انقلاب کرد و این حکومت را برانداخت . باید توجه داشت از روزی که جمهوری اسلامی آمده همه اش این شعار را می دهیم . چطور شده که در سی سال گذشته کسی به حرف ما گوش نکرده ، چرا انقلاب نشده؟ انقلاب اینطور نیست که با توصیه کسی، با نسخه کسی اتفاق بیفتد. انقلاب را کسانی با نقشه نمی کنند، انقلاب می شود. انقلاب قانونمندی دارد. همانطور که زلزله می شود همانطور که سیل می آید . البته سازمان یافتگی مردم ، آگاهی مردم، کار در بین مردم در مورد خواستهای اجتماعی و سیاسی و غیره تاثیر دارد در ثمر بخش بودن انقلابات و حرکتها . ولی انقلاب اینطور نیست که همه جا بشود. مثلاً در سوئد ، فرانسه و انگلیس ، آزاد هم هستید و اگر هم پول هم داشتید رادیو تلویزیون راه بیاندازید و هر روز از مردم بخواهید که بریزند به خیابان، کسی به حرفتان گوش نمیدهد. چرا گوش نمیدهند؟ نه اینکه مردم ابله هستند. نه! ممکن است مردم در کوچه و خیابان با آن خواستهای بلندی که شما دارید، با افکار عالی که شما دارید آشنا نباشند. ولی خب راهی جز آشنا کردن آنها وجود ندارد. اگر می خواهید کاری بکنید باید مردم را ببینید. مردم اگر متقاعد بشوند می این را ادامه خواهند داد. من فکر میکنم بحث این نیست که باید انقلاب کرد. مساله این است که باید از طریق مردم انقلاب کرد. بنابر این به هر حيله شده در دل دوست رهی باید جست. و این دوست مردم است. باید دید آنها در چه وضعی هستند. مردم هم يك صخره یکپارچه نیستند. از طبقات مختلف تشکیل شده اند. منافع مختلف و حتی متضادی دارند، اعتقادات گوناگونی دارند، پیوستگی ها و تعلقات مختلفی دارند. باید روی اینها کار کرد. و حالا شرایط مساعدی است برای کار کردن در همه حوزه ها. در همه حوزه های سیاسی، اجتماعی، طبقاتی، ملی و... فضای مساعدی است. مثلاً فضای مساعدی است که جنبش زنان خواستهایشان را مطرح کنند. همانطور هم که این کار را میکنند. به نظر من در این فضای مساعد فصل باروری فرا رسیده است. میشود هر بذری را پاشید ودر انتظار بود که بسرعت ثمر بدهد. بنا بر این بایستی کار کرد. منتها از این بیشتر دیگر آرزو ها هستند. آرزوها هم بر کسی عیب نیست. آرزو داشته باشید اما اینکه چطور بر آورده بشود مساله است. حرکت کردن، انقلاب کردن خوب است ولی از طریق مردم. وگرنه باید متوسل بشوید به آقاي جورج بوشی پیدا بشود که به شما کمک بکند. و با مثلاً فکر بکنید که کشورهای غربی ایران را محاصره [اقتصادی] بکنند. اولاً کسانی که بیایند کاری بکنند خودشان منافعی دارند، حسابهایی دارند، مفتکی نمی آیند به کسی کمک کنند. فکر نباید کرد که مثلاً بی.بی.سی راه انداخته اند، صدای امریکایی راه انداخته اند، فرانسه 24 ساعته راه انداخته اند، اینها فقط برای اینست که از حقوق بشر دفاع کنند! تمام اینها که این پروژه ها را راه انداخته اند هیچکدامشان برای دفاع از حقوق بشر نیستند بلکه از لگدمال کنندگان حقوق بشر هستند. منتها، از این فرصت ها هم باید استفاده کرد. این خوب است که وجود دارد.

جمهوری اسلامی ، برخلاف رژیم شاه، یک حکومتی است که در سطح بین المللی منزوی است. توجه داشته باشید که انقلاب 1357 در شرایطی صورت گرفت و بر علیه حکومتی صورت گرفت که در واقع در تمام دنیا یک دشمن خیلی مشخصی که جلویش بایستد و هر روز بر علیه اش تبلیغات نماید، وجود نداشت. علیرغم آن زور مردم را ببینید. مردم آمدند و یک کاری کردند که کارستان بود. اما در نتیجه اشتباهات، اشتباهات نیز صرفاً این نبود که نمی فهمیدند و گویا اگر چند نفری می فهمیدند و می گفتند قضیه خیلی عوض میشد. فقدان سازمان یافتگی و غیره و... باعث شد که بیفتند دنبال یک آدمی که از آن یکی هم بدتر بود. ولی حالا، این رژیم در دنیا مخالفان زیادی دارد. زمینه ای وجود دارد که از هر طرف فشار بیاید. منتها از این ها نباید نتیجه گرفت که دیگرانی بیایند و کار ما را انجام بدهند. دیگران اگر هم بخواهند کار ما را انجام بدهند، به نفع خودشان انجام خواهند داد. همین که خمینی آمد، به نفع خودش کارهایی کرد و شما حالا بیایید و او را از آن آریکه بزیبر بشکند. بالا بردن طرف شاید آسان باشد - که البته خیلی هم آسان نیست - ولی پائین آوردنش خیلی مشکل است. اگر مردم نبودند، واقعاً حرکتی اتفاق نمی افتاد.

بطور مثال توجه کنید؛ امریکایی ها در دوره بوش، مرتباً تلاش میکردند. جورج بوش سفره هفت سین هم گذاشت که مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی شورش کنند ولی خبری نشد. آن تاکتیک ها تصادفاً، لگد میزد. بدتر میکرد. زیرا مردم میدیدند که امریکایی ها نقشه میکشند برای اینکه ببینند. و در بغل گوششان هم افغانستان و پاکستان و عراق را دیده بودند، اصلاً محتاط تر میشدند. اما، اکنون که آن خطرها کمتر شده است، مردم بیکیاره حرکتی کردند، از فرصتی استفاده نمودند که تمام دنیا مبهوت شده اند. آنهایی که همچنان در امریکا میخواهند که جمهوری اسلامی ایران ضعیف تر بشود، اکنون از سر شادی نمیدانند که چه باید بکنند! ولی مانده اند که اگر قدمی به جلو بگذارند، چه خواهد شد. اوباما [رئیس جمهور کنونی ایالات متحده امریکا] در مقابل همه فشارها، سیاست پخته ای دارد. نه اینکه او آدم آزادیخواهی باشد. اما سیاست پخته ای دارد. میگوید اگر یک قدم جلوتر برویم، ممکن است که نتایج منفی تری داشته باشد. و این نظر من درست است.

مردم ایران در جریان همین انتخابات ایران - بگونه ای همه را غافلگیر نمودند. کاری را انجام دادند که دنیا مبهوت شده و با تحسین تمام آنرا تماشا میکند. خوب نیست که انقلابیون ایران، آزادیخواهان ایران، لب برچینند و دهان کجی بکنند به این حرکت. حرکت مردمی همینطور اتفاق میافتد. با دستکش های سفید انقلاب نمیکند. مردم انقلاب میکنند و معمولاً هم با ابزار و مصالح دم دستشان. این قانونمندی عام و بسیار شناخته شده همه انقلاب ها و جنبش های اجتماعی و سیاسی است.

رحیمی: یکی از دغدغه های بسیاری از هموطنان - بویژه در خارج از کشور - با توجه به درسی که از انقلاب سال 1357 گرفته اند، ترس از عدم وجود آلترناتیو مناسبی است که در حال حاضر هم اگر وجود دارد، شناخته شد و مرئی نیست. همین باعث شده است که کسانی که رویشان نمیشود حکومت حاضر را حکومتی مناسب بنامند، برای حفظ آن چماق نبود آلترناتیو مناسب را بر فرق هر مخالف نظام بکوبند و مردم را از اینکه اگر این حکومت برود، سلطنت طلب ها خواهند آمد، یا مجاهدین خواهند آمد و یا کمونیست کارگری ها - با این اعتقاد که همه اینها از نظام موجود بدتر هستند - مردم را از مبارزه باز میدارند. مایلیم تحلیل شما را، بویژه در مورد آلترناتیو نظام بدانم.

محمد رضا شالگونی: آلترناتیو را ما تعیین نمیکنیم. اینکه چه نیروی در بین مردم نفوذ و واقعاً توده گیر شود، امکان آلترناتیو شدن دارد. با آرزو و صرفاً تبلیغات، نمیشود. بعضی تبلیغات ها ضد تبلیغات است. من دوستی دارم که استاد دانشگاه است و در ایران استاد من بود. مایل نیستم نامش را بگویم. آدم نازنینی است. یک بار من و او نشسته بودیم در پاریس. در اوج تبلیغات شورای ملی مقاومت بود. در صفحه دوم روزنامه لوموند، یک صفحه تمام، تبلیغات شورای ملی مقاومت بود.

من به دوستم گفتم؛ ببین اینها چقدر امکانات مالی دارند که میتوانند این تبلیغات را بکنند. دوستم جواب داد: "ممن جان این اصولاً ضد تبلیغات است. تصادفاً این اثر منفی میگذارد." و سپس به پانین همان صفحه روزنامه که نوشته شده بود "آگهی" اشاره کرد و ادامه داد که در فرانسه هر کس این کلمه " آگهی " را ببیند، این صفحه را مطالعه نمیکند. لذا، بعضی از تبلیغات ها، خودشان ضد تبلیغات هستند. به این مسئله باید توجه کرد. آلترناتیو را اینگونه نمیسازند.

بگذارید یک چیزی بگویم. " جفری هاف " یکی از کارشناسان باصطلاح حکومت در شوروی بود. شوروی شناس بود. او در کتابی نوشته است که بعد از آوریل 1917 در روسیه [حکومت تزار سرنگون شده بود و از طرفی دولت موقت کُرُنسکی بر سر کار آمده بود و از طرف دیگر شوراهای کارگری بوجود آمده بود] معلوم نبود که روسیه به کجا خواهد رفت. در آن زمان یکی از رهبران اس.ار.ها در کنگره شوراهای کارگران و.. پرسید که آیا در آن مقطع کسی جرات دارد که ادعا نماید که میتواند کشور را به تنهایی اداره نماید. - سنوال استفهامی نبود، بلکه میخواست از مخاطبانش اقرار بگیرد- در این بین کسی دست را زد به صندلی اش. همه برگشتند. لنین بود. او گفت؛ بلشویک ها معتقدند که میتوانند. همه متعجب شده بودند. حتی "بوگدانف" که از دوستان قدیمی لنین بود و بعدها انشعاب نمودند گفت: این مرد دیوانه است. منتها چند ماه بعد بلشویک ها قدرت را گرفتند.

آلترناتیو اینطوری نیست که مثلاً کسانی یکدفعه نقشه میکشند. خیلی ها در انقلاب 1357 فکر نمیکردند که خمینی بیاید و حکومت اسلامی تشکیل بشود. واقعاً از یک جهات زیادی، چیز خیلی عجیبی بود. آنهم در کشوری که در مقایسه با کشورهای منطقه، خیلی مذهبی نبود. منتها دیدید که اینطوری شد. بنظر من نباید نگران بود که سلطنت و امثالهم ببینند. در مورد دیگران، مثلاً مجاهدین؛ متأسفانه خود آنها با کارهایی که کردند خود شان را سوزاندند.

الان مهم نیست که عده و غده دارند. لشکر و تانک دارند. اصل اینست که آیا پایه حمایتی آنها، دیسکورشان، آن زبان و گفتگویی که دارند، قابل قبول است برای ایران؟ همین الان این مردمی که در زیر رنگ سبز موسوی شناخته شده که مدافع ولایت فقیه است، جمع شده اند، دیسکورشان پیشرفته تر از آن است که دیگر بعضی از اپوزیسیون را قبول بکنند. یعنی سلطنت را بپذیرند. اصولاً اعتراض بر سر سلطانی است که در کار است. حالا سلطان دیگری میخواهند. لذا، بعضی چیزها دورانشان گذاشته است. تا حدودی میتوان گفت که آنها محکومند که بروند.

من نمیگویم که انقلابی که در ایران حادث شود، حتماً دمکراتیک و پیشرفته خواهد شد. نه. ولی واقعیت اینست که نزدیک به هفتاد درصد جمعیت ایران کنونی شهر نشین هستند. بخش قابل توجهی از مردم با سواد هستند. طبق آمار رسمی میزان یا سوادان [در حد خواندن و نوشتن] در سی سال قبل [حدود پنجاه در صد بود. حالا بالای هشتاد در صد است. این چیز کمی نیست. اینها در مجموع اثر میگذارند. همین جوانان ایران در حرکت های اخیر، از اینترنت بطور وسیع استفاده کردند. در مقیاس دنیای سوم... قابل توجه است. این یکی از ظرفیت های جمعیت شهری ایران را نشان میدهد.

البته اکثریت عظیم مردم به چنین چیزی دسترسی ندارند. ولی واقعیت این است که این خیلی مساله مهمی است. اینقدر ماهواره است، اینقدر امکانات است. فکرش را بکنید تلفن های موبایل را هنگام اعتراضات بستند. به خاطر اینکه خفه بکنند. در انقلاب 57 همه چیز با اعلامیه های دور و دراز و نوشته شده میرسید. الان ما در دنیای دیگری هستیم. آلترناتیو شکل میگیرد. آلترناتیو مردم ایران پلا تفرمش روشن است. اولاً مردم ایران دمکراسی میخواهند. قبل از آن ویر جسته تر از آن، دولت غیر مذهبی میخواهند. جدایی دین از دولت می خواهند. بخش بزرگی از مردم ایران طرفدار دموکراسی هستند، آزادی میخواهند. اینها خیلی مسایل کلیدی هستند. بخش عظیم جمعیت ایران، تقریباً اکثریت قاطع جمعیت ایران مزد و حقوق بگیر هستند. و در وضعیتی هستند که نمیتوانند به مساله اقتصادی بی توجه باشند و از بازار آزاد طرفداری کنند. اینها بنوعی به سیستم اجتماعی سوسیال اعتقاد دارند. البته اعتقاد ممکن است داشته باشند یا نداشته باشند ولی راه حلشان آنجاست. بنا بر این تا حدودی عناصر آلترناتیو شناخته شده است. ولی اینکه آیا یک فرامیوسون های سیاسی - اجتماعی، شکل بندی های سیاسی بوجود خواهد آمد که این عناصر را جمع بکند و یک آلترناتیو درست بکند، این آن چیزی است که در سطح سیاست باید صورت بگیرد. آیا این صورت میگیرد یا نه، من کلاً خوش بین هستم. این حرکت نشان داد که ایران کشوری است که میشود اینرا با اطمینان گفت. و میشود امیدوار بود که ایران قاطعانه میتواند به طرف دموکراسی برود، بطرف حاکمیت توده ای مردم برود. تردیدی نیست که ایران راهش به بیراهه نیست.

رحیمی: جای خوشحالی است.

محمد رضا شالگونی: بله مسلماً! من به ظرفیت مردم ایران امیدوار هستم. نه اینکه احساس ناسیونالیستی بکنم. نه! واقعیت این است که اعتقاد و باور داشتن به مردم خودش، به خانواده خودش به معنای این نیست که شما ناسیونالیست هستید، گویا شما میگویید که مردم ایران بالاتر از همه و تافته جدا بافته ای هستند. نه! ایرانی ها بعد از تجربیاتی که از سر گذرانده اند، صد سالی که در راه انقلاب حرکت کرده اند، نشان میدهند که خیلی بخته هستند. **رحیمی:** همین رفتار مردم و توجه جهانی باعث شده که دیشب (11 تیر) آقای خامنه ای که گویا برای اعضاء قوه قضاییه صحبت میکرد، بسیار موضع نرمی گرفته بود.

محمد رضا شالگونی: اصلاً چاره ای ندارند. تبلیغات این آقایان را دیده اید که می گفتند: رهبر فصل الخطاب است. مردم اصلاً تو دهنی زدن به رهبر! البته مردم خودشان به این فصل الخطاب اعتقادی ندارند. ولی حتی از داخل این حکومت، مثلاً موسوی، رهبر را قبول نمیکند. خاتمی آدمی قبول نمی کند، مراج تقلید خودشان قبول نمیکند، فصل الخطاب چی است؟ این حرف های مزخرف چی است؟ مردم نظر دارند، مردم رای دادند. مردم رای داده اند و می خواهند بدانند رایشان چه شد. مردم حاکمیت خودشان را میخواهند. حالا از خود رژیم، کرویوی آدمی می آید و میگوید: "من از شما مردم معذرت میخواهم، شما از ما جلوتر بودید و میدانستید که در انتخابات تقلب خواهد شد و می گفتید آرای مردم چه میشود؟" اینها مسایل خیلی مهمی هستند. حالا وقتی که آنها میگویند جنگ بر سر جمهوریت است، بحث بر سر این است که آیا مردم میزان هستند یا دیگران، خیلی حرف مهمی است. یعنی اینکه در داخل حکومت، ظرفیت توده ای مردم ایران است که خودشان را بیان کرده اند. به صریح ترین و درخشان ترین شکلی هم خودشان را بیان کرده اند. و این جای تردیدی برای کسی باقی نگذاشته که در ایران صاحب ایران کیست و کی می تواند باشد.

رحیمی: بسیار بسیار سازگرم از شما آقای شالگونی که در برنامه این هفته شرکت کردید.

محمد رضا شالگونی: من هم تشکر میکنم از فرصتی که به من دادید و تشکر میکنم از شنوندگان عزیز رادیو سپهر.

دردهسالگی خیزش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ اینبار مردمان ایران می گویند : ما تازه آغاز کرده ایم و در راه ایم !

امیرجواهری لنگرودی

درگرامیداشت خیزش ۱۸ تیربازهم باید گفت . ده سال پیش درزمان حکومت محمد خاتمی، بایسته شدن روزنامه سلام که پروژه سعید امامی را ناکام گذاشت وبرانگیخته شدن دانشجویان ازیس بیشمارمطالبات خویش ، حمله به کوی دانشگاه توسط نیروی لباس شخصی ، ماموران اطلاعاتی و نیروی حزب الله و بسیج، سکوت حکومتگران برای حفظ نظام اسلامی ، بعداز شش روزخیزش وسیع دانشجویان سرکوب گردید و پرونده متهمان این حادثه بزرگ دریابگانی دستگاه قضایی ولی فقیه حکومت همچنان خاک می خورد . سرداران آن جنایت همچنان برسرکارند وامروز نیزبعد ازدهسال برای سرکوب خیزش دیگر باره مردمان ایران و سالگرد دیگر باره گرامیداشت ۱۸ تیردردهسالگی آن دندان تیز کرده اند و آن خاطره تلخ را امروز نیزبه رخ می کشند تا نیروی خود را برای قصابی بیشتر بسپارند .

این عاملان جنایت هریک بر زبان می رانند که چگونه آرایش کرده اند ازجمله : "سردار عبدالله عراقی فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ با اشاره به غائله ۱۸ تیر۷۸ با بیان اینکه ورود بسیج به عرصه موجب ختم این غائله شد گفت: امسال هم در غائله ۳۰ خرداد بنا برتصویب شورای عالی امنیت ملی مسوولیت برعهده سپاه و بسیج قرار گرفت. مجموعه سپاه تهران بزرگ به عنوان بازوی اجرایی سپاه پاسداران در تهران به کمک نیروی انتظامی وارد عرصه شد وبراساس تقسیم کاری که صورت گرفت ازساعت ۳۰ / ۱۴ روزشنبه ۳۰ خرداد مجموعه بسیج، سپاه و نیروی انتظامی در سطح تهران گسترش یافت. " و یا " سردار محمد باقر ذوالقدر " می گوید : " ... درکنار حوادث و اغتشاشات اخیر کشور را در مقایسه با حوادث ۱۸ تیر۷۸ غیرقابل قیاس عنوان کرد و گفت: در ۱۸ تیرسال ۱۳۷۸ تنها یک قشر دانشجویی با برخی از دولتمردان دست داشتند اما امروز (سال ۱۳۸۸) هم دامنه کار وسیع تر بود و هم معاندین، سردمداران و استکبار جهانی که پشت این قضایا بودند کار را تمام شده می دانستند. " لذا با تاسی ازجمع بندی ابعاد جنایتکارانه دهسال پیش خود امروز به آرایش همه جانبه تری نشسته اند تا نه تنها دانشجویان بلکه همه جنبش های به پاخاسته زنان- جوانان- معلمان- پرستاران- روشنفکران ترقیخواه - اقلیت های ملی و مذهبی وپیکارکارگران ونیروی میلیونی بیکاران ایران را به خاک و خون کشند .

اگر با اخبار بدست آمده حرکت کنیم ، آنچه مربوط به نقشه تهران بزرگ است . درخبرها آمده است: "درروز ۱۸ تیردر تهران ۵ مسیر برای راهپیمایی تعیین شده است که از جمله می توان به میدان فردوسی، میدان ولی عصر، میدان انقلاب، میدان آزادی و میدان تجریش تنها در سطح کلان شهرت تهران" که قرار است از مناطق گوناگونی به هم پیوندند. در همین رابطه خبرها حاکی از آن است که بسیاری از روحانیون نیز از این حرکت استقبال کرده اند. آیت الله زنجانی از جمله این روحانیون است که گفته می شود قرار است درروز ۱۸ تیر، به همراه هزاران نفر به صورت کفن پوش به تهران بیاید. این خبردرسایت های خبری مختلف منتشر شده و دفتر آیت الله زنجانی نیز تا این لحظه آن را تکذیب نکرده است. جبهه ی متحد دانشجویی طی اطلاعیه خود آرایش ۱۸ تیر را جدا از تهران بزرگ در شبکه وسیعی از ایران از جمله : آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی- اردبیل- ایلام - بوشهر - چهارمحال و بختیاری - خراسان جنوبی - خراسان رضوی - خراسان شمالی - خوزستان - زنجان - سمنان - فارس - قم - کردستان - کرمان - کرمانشاه - کهگیلویه و بویراحمد - گلستان - گیلان - لرستان - مازندران - استان مرکزی - همدان - هرمزگان - یزد- اصفهان - سیستان و بلوچستان - ایرانشهر - قزوین - اعلان داشته است که بالغ بر ۲۰۰ مورد تجمع در سراسر ایران را پوشش می دهد و این جدا از آنچه است که تهران بزرگ را از ۵ منطقه بالا به هم وصل می کند . جمعی از دانشجویان بر گزار کننده مراسم شبکه برای سازمانیابی این حرکت بزرگ خود در تهران طی دعوتنامه ای از موسوی، کربویی و خاتمی خواسته اند تا با آنها همراه گردند . در دعوت نامه آمده است: "بدینوسیله از آقایان میرحسین موسوی، مهدی کربویی و محمد خاتمی دعوت می کنیم تا جهت محکومیت تعرض نیروهای حکومتی به دانشجویان ، بخصوص حمله به کوی دانشگاه و بزرگداشت جان باختگان ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و ۲۵ خرداد ۸۸ و بیعت با ملت ایران و

حمایت از آزادی های انسانی و دموکراتیک، حقوق آزادی ، تجمع و تحزب، آزادی قلم و بیان ، آزادی اعتراض و اعتصاب، آزادی اطلاعات و ارتباطات، برابری حقوقی و سیاسی شهروندان و عدم تبعیض جنسیتی، قومی و مذهبی و... درروز پنجشنبه، ۱۸ تیر ۸۸ در ساعت ۹ بعد ازظهر درمیدان فردوسی درکنارملت ایران قرارگیرند .

با آرزوی پیروزی ، اتحاد - مبارزه - پیروزی جمعی از دانشجویان برگزار کننده مراسم ۱۸ تیر ۱۳۸۸ " تا این لحظه دعوت فوق پاسخ نگرفته است . ولی همه چشم ها با نگرانی متوجه حوادث قریب الوقوع ایران و خاصه تجمع عظیم ۱۸ تیراست .

انگاه که رهبر فرمان سرکوب می راند و فرماندهان صف به صف به کمین نشسته تا با ارباب گسترده مردمان ایران راز هم جدا نمایند باید با هوشمندی و درایت همه جانبه تری با اتخاذ تاکتیک های درست، دشمن را خلع سلاح کرد وایزار سرکوب را درهم ریخت. در این سوی جهان و در دل جامعه میزبان باید برای بی چهره گی جنایات رژیم سرمایه داری اسلامی ایران وانعکاس گسترده ی مقاومت توده ای مردم ، آزادی دستگیر شده گان حوادث اخیر، برجسته کردن نام زندانیان دستگیر شده و نشان دادن چهره مخوف داستان سعید مرتضوی جلا اوین، زندان کهریزک شهری به افکار عمومی بشریت مترقی، به کاروکارپرداخت به وحدت عمل مبارزاتی گسترده نیروهای هم اندیش به اقداماتی مشترک دست یازید .

در این کارودراین پیکار، نباید یک لحظه مبارزات مردمان ایران را تنها گذاشت . مبارزان درون کشورهمانگونه که خوداعلام داشته اند: ازابتداء اعلام کودتای حکومتی، خروسخون شنبه (۲۳ خرداد۸۸) کارودرویی با کلیت نظام حاکم را آغاز کرده اند درراهند . فرش ها را به زیرپایشان پهن کنیم وامبارزات آنان به همه جانبه تری شکل ممکن پشتیبانی نماییم. ۱۷ تیر

یکشنبه ۱۴ تیرماه خانواده های دستگیر شدگان

در مقابل زندان اوین تجمع نمودند.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران

بنابه گزارشات رسیده از مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب تهران، تعداد زیادی از خانواده های دستگیر شدگان اخیر صبح امروز در مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب تجمع کردند و خواستار مطلع شدن از وضعیت و شرایط عزیزان خود شدند. صبح امروز یکشنبه ۱۴ تیرماه از ساعت ۰۸:۰۰ صبح خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات اخیر همزمان در ۲ نقطه تجمع کردند. صدها نفر از آنها در مقابل دادگاه انقلاب و زندان اوین جمع شده اند. تعداد زیادی از خانواده از سرنوشت عزیزانشان از زمان دستگیری تا به حال بی خبر هستند. دادگاه انقلاب و زندان اوین از دادن هر گونه خبری از وضعیت و شرایط عزیزانشان مانند (آیا در بازداشت آنها بسر می برند؟ در کجا بسر می برند و چه شرایط دارند) خوداری می کند. همچنین تعداد زیاد دیگری از دستگیر شدگان که محل بازداشت آنها مشخص شده است ولی خانواده های آنها از وضعیت و شرایط عزیزانشان هنوز بی خبر هستند.

در میان اجتماع کنندگان تعدادی از آقایانی که با در بقل داشتن فرزندان کوچک خود در مقابل زندان اوین تجمع کرده اند و در انتظار مطلع شدن از وضعیت همسران بازداشت شده خود بسر می برند. کودکان خردسال آنها با چهره های مسترب و چشمان معصومانة خود مادرانشان را در جمعیت جستجو می کنند. همچنین تعدادی از خانواده های که از شهرستانهای مختلف آمده اند در بین تجمع کنندگان بسر می برند و شرایطی مشابه با سایرین دارند.

این تجمعات تقریباً روزانه در مقابل زندان اوین و دادگاه انقلاب بر پا می شود . که معمولاً از ساعت ۰۸:۰۰ صبح تا ساعت ۱۵:۰۰ بعد از ظهر ادامه می یابد. نیروهای لباس شخصی در هر دو محل حاضر هستند و خانواده ها را زیر نظر خود دارند.

فعالین حقوق بشر ودمکراسی در ایران، بازداشت ، شکنجه و در بی اطلاعی نگه داشتن خانواده ها از وضعیت عزیزانشان را محکوم کردن وخواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی است همچنین از کمیسر عالی حقوق بشر و سایر سازمانها حقوق بشری خواستار اقدامات بین المللی برای آزادی تمامی دستگیر شدگان اعتراضات اخیر است.

14 تیر ۱۳۸۸ برابر با ۵ ژوئای ۲۰۰۹ گزارش فوق به سازمانهای زیر ارسال گردید:

کمیساریای عالی حقوق بشر کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا سازمان

عفو بین المللسازمان دیدبان حقوق بشر.

یکشنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۸۸-۵ ژوئن ۲۰۰۹

از ترس

به ارباب روی آورده اند. چرا باید در برابر سیاست ارباب مقاومت را سازمان داد؟

ارژنگ بامشاد

ابعاد خشونت نیروهای سرکوب دولت ولی فقیه، همه را حیرت زده کرده است. از روزی که رهبر کودتا دستور سرکوب حرکات توده ای را صادر کرد، نیروهای رنگارنگ سرکوب با خشونت بی مانند به جان مردم افتاده اند. خوابگاه های دانشجویی را به خاک و خون کشیدند. در خیابان به دختران و پسران جوان، با نشانه گیری شلیک کردند و ده ها تن از آن ها را به شهادت رساندند. گروه گروه جوانان را در خیابان ها و یا در هجوم های شبانه به خانه ها دستگیر کرده و به شکنجه گاه ها بردند. نیروهای کلاه خود به سر و سرتاپا سیاه پوش را به خیابان ها اعزام کردند تا با بطوم و دیگر وسایل تخریبی، شیشه های ماشین های پارک شده ی مردم و یا شیشه های خانه هایشان را در هم بشکنند. کاری را که پیشتر از این، از سربازان روس در چین و سربازان اسرائیلی در سرزمین های فلسطینی دیده بودیم. در بحبوحه ی این اقدامات، ده ها تن را به اتهام قاچاقچی و غیره اعدام کردند. پنج جوان کرد را در کرمانشاه به دار آویختند. در سیمای کودتایی شان، عکس های تظاهرکنندگان را پخش کردند و خواستند که آن ها را شناسایی و به سپاه معرفی کنند.

تمامی این اقدامات، نمونه هایی از سیاست سرکوبی است که قصد مرعوب کردن مردم را دارد. آن ها برای این که سیاست مرعوب کردن را با جدیت دنبال کنند و به مردم نشان دهند در امر سرکوب تا به آخر ایستاده اند، به وفاداران نظام هم رحم نکردند. از فردای کودتا و گسترش تظاهرات میلیونی مردم و اوج گیری فریاد های مرگ بردیکتاتور در خیابان ها و بر فراز بام ها، به دستگیری گسترده فعالین و سران گروه ها و جریانات اصلاح طلب درونی رژیم پرداختند. آن ها را به تدارک انقلاب نرم مخملی متهم ساختند. بنا به گزارش عفو بین المللی، در سپاه چال های شان برای گرفتن اعتراف از آن ها به همه ی اشکال شکنجه های روحی و روانی متوسل شدند. به این هم قناعت نکرده و صد نماینده مجلس شان نیز برای به دادگاه کشاندن میرحسین موسوی نامه امضاء کردند و کیهان ارگان قتل های زنجیره ای، خواهان خون خواهی از او شده و پرونده سازی برایش را آغاز کرده است.

وقتی مجموعه اقدامات سرکوبگرانه ی دولت کودتا را مورد بررسی قرار می دهیم، به راحتی در می یابیم که آن ها چنان از حرکت مردم و حضور میلیونی شان به وحشت افتاده اند که عنان از کف داده اند. سناریوی دستگاه ولایت و سپاه و ارگان های نظامی و امنیتی برای سازمان دادن کودتای انتخاباتی، پیشبرد آرام امر انتخابات و بیرون آوردن نام احمدی نژاد از صندوق های رأی بود، به گونه ای که هم بتوانند ادعا کنند که مردم به طور گسترده در انتخابات شرکت کرده و بر مشروعیت رژیم تاکید نموده اند و هم به کاندیدای کودتا رأی داده اند. اما تاکتیک مردم در هجوم به پای صندوق های رأی و "نه" با شکوهشان به دستگاه ولایت و کاندیدایش، بازی آرام کودتاچیان را برهم زد. کودتاچیان که بازی را باختند، قواعد بازی را بر هم زدند و حکم حکومتی ولی فقیه را به کار گرفتند. حکمی که با بی اعتنائی دلاورانه ی مردم روبرو شد. حتی اصلاح طلبان حکومتی نیز به پشتوانه این بی اعتنائی غیرقابل چشم پوشی، و با اطلاع از عواقب شوم تسلیم، به حکم حکومتی تن در ندادند. و شکاف در بالای حکومت را عمیق تر و آشکارتر کردند. حضور قدرتمند و میلیونی مردم و گسترش شکاف در بالای حکومت، کودتاچیان را وحشتزده کرده بود. این وحشت از مردم را سردار حسن نوالقدر در ۱۱ تیرماه ۸۸ به خوبی بیان کرد وقتی که گفت: "البته امروز فضا قدری شفاف تر شده که خیلی ها روشننگری می کنند و اطلاعاتی می دهند. اما زمانی که فضا غبارآلود بود جای آن ها خالی بود و بسیجیان جای آن ها را پر کرده بودند" و با اشاره به حرکت ۱۸ تیر اضافه کرد: "در ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸ تنها یک قشر دانشجویی با برخی دولتمردان دست داشتند اما امروز هم دامنه کار وسیع بود و هم معاندین، سردمداران و

استکبار جهانی که پشت این قضایا بودند کار را تمام شده می دانستند". همین وحشت از حضور گسترده و میلیونی مردم که ارکان نظام را لرزاندند بودند، باعث شد تا خامنه ای خود رأساً در ۲۹ خرداد ۸۸ در نماز جمعه فرمان حمله به مردم و ریختن خون جوانان را صادر کند و از تبلیغاتچی هاشان بخواهد عواقب این سیاست جنایتکارانه را نیز به گردن مخالفین بیندازند. اما علیرغم فرمان سرکوب، مقاومت توده ای، آن چنان عمیق و گسترده و تاکتیک های توده ای آن چنان هوشمندانه بود که سیاست سرکوب ضربتی و برق آسا را با شکست نسبی روبرو ساخت. این امر نیز بر وحشت کودتاچیان افزوده است. از این رو با خشونت بیشتری به سیاست مرعوب کردن پناه برده اند. به دیگر سخن آن چنان ترسیده اند که به ترساندن روی آورده اند.

وقتی جوهر سیاست ترساندن و ارباب حکومتی، بر ترس از مردم استوار است، باید به شیوه های مختلف این سیاست را در هم شکست. زیرا در صورتی که سیاست ارباب پیروز شود، این گراز وحشی زخمی به صغیر و کبیر رحم نخواهد کرد. این را، حتی اصلاح طلبان وفادار به نظام، به خوبی دریافته اند و مدام از مردم می خواهند که در برابر سیاست ترور و ارباب ایستادگی کنند و خود نیز چنین سیاستی در پیش گرفته اند. حتی برخی مراجع تقلید نیز این خطر را دریافته اند و در برابر کودتا موضع گیری کرده و از مقلدین خود خواسته اند به مقاومت ادامه دهند.

برای در هم شکستن سیاست ارباب، در گام اول باید بر تداوم توده ای بودن حرکت اعتراضی مردم تاکید کرد. می توان اشکال مناسبی از مبارزه را به کار گرفت تا دامنه ی توده ای و فراگیر حرکت های مردمی کاهش نیابد. برای حفظ توده ای بودن حرکت مردم باید اشکالی را به کار گرفت که هم قدرت بسیج کنندگی داشته باشد و هم هزینه ی آن در سطح توده ای قابل تحمل باشد. همبستگی با خانواده های دستگیر شده گان اخیر، شرکت در مراسم سوگواری شهدای جنبش مردمی، گسترش شعار آزادی زندانیان سیاسی، دامن زدن به مقاومت مدنی، کشاندن اعتراضات به محیط های کار، سازماندهی اعتصابات موردی و در صورت امکان عمومی، افشای هر چه گسترده تر جنایات نیروهای سرکوب از طریق گرفتن فیلم از این جنایات و پخش جهانی آن، جمع آوری نام تک تک شهدا و زندانیان سیاسی و رساندن این نام ها به رسانه های جهانی و ... همه و همه می تواند تیغ سرکوب را به شدت کند کند.

در این میان، نقش ایرانیان خارج از کشور، برای افشای جنایات رژیم کودتا و پخش گسترده ی مقاومت توده ای مردم و جلب وسیع افکار عمومی در تمامی کشورهای جهان از برجستگی خاصی برخوردار است. باید فشار بین المللی بر رژیم کودتا را در هر حدی که می توان افزایش داد تا از این طریق اراده ی سرکوب متزلزل شود. انزوای کنونی رژیم کودتا، امکان موثری است که جنبش مقاومت توده ای می تواند به خوبی از آن بهره گیرد. برای در هم شکستن اراده ترسو های مرعوبگر، نباید اجازه داد بر ترس شان غلبه کنند. باید این ترس را هم چون طنابی به دور گردن شان گره زد. ۱۴ تیرماه ۱۳۸۸ - ۵ ژوئیه ۲۰۰۹

بقیه: اعلامیه ی هیئت اجرایی سازمان به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر!

گرامی داشت مراسم ۱۸ تیر، به بهانه ی هجوم "خس و خاشاک"، تمامی ادارات، شرکت ها و خوابگاه های دانشجویی را تعطیل کرده است، باید به ابتکارات جدیدی دست زد. حال که دانشجویان به خانه ها و شهرهایشان فرستاده شده اند، می توان به همراه جوانان و مردمی که نشان دادند نمی خواهند زیر بار زور زندگی کنند، از تمامی اشکال اعتراضی، هم چون اعتصاب، تحصن، گردهم آیی ها به بهانه های گوناگون و یا دادن شعار در شب ها استفاده کرد و سالگرد ۱۸ تیر را گرامی داشت. نباید اجازه داد دولت کودتا تصور کند که با در پیش گرفتن سیاست ارباب می تواند دریا را از تلاطم باز دارد.

گرامی باد ۱۸ تیر، روز خیزش شکوهمند جنبش دانشجویی
پیروز باد رژیم بر شکوه مردمی
زنده باد آزادی
زنده باد سوسیالیسم
مرگ بر جمهوری اسلامی
هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
۱۸ تیرماه ۱۳۸۸ - ۹ ژوئیه ۲۰۰۹

پایه روستایی احمدی نژاد یک دروغ است!



بسجی هایی که در روستاها به احمدی نژاد رای داده اند، در شهر به عنوان دانشجو، به مقابل سفارت انگلیس فرستاده شده اند.

ده - عمدتاً بسجی ها و کساتی که برای ارگان های وابسته به دولت کار میکنند، همراه با خانواده های شان..
روستائیان سه شب قبل از رای گیری با ماشین به شیراز رفتند تا در کارزارهای حمایت از موسوی شرکت کنند. و خود روز انتخابات در باغ ایمان مثل یک روز جشن بود. بسیاری از مردم در حالیکه در صف ها ایستاده بودند و با همسایگان صحبت میکردند علناً و با شادمانی قصد خود را برای رای دادن به موسوی ابراز می کردند. و کارکنان انتخاباتی ارزیابی می کردند که حداقل ۶۵ درصد مردم به موسوی رای داده اند. به گفته یکی از آنها، احتمالاً تعدادی هم به کربویی که او هم در طرف مردم قرار گرفته بود، رای دادند..

بسجی ها با مادر و همسر و خواهرشان برای رای دادن آمدند ولی ساکت بودند و آشکارا از اینکه قصدشان معلوم بود پروا داشتند. به گفته عضو شورا، زیرا معلوم بود که میخواهند به احمدی نژاد رای بدهند. ولی به گفته او آنها نمی توانستند بیش از ۲۰ تا ۲۵ درصد آراء را تشکیل بدهند.

عصر روز شنبه شوک و ناباوری جای خود را به خشمی داد که به تدریج به عصیان آشکار اخلاقی ناشی از این باور که انتخابات آنها به سرعت رفته است تبدیل شد. دلیلش مستقیماً در خود روستا بود: به گفته عضو شورا، کارمندان وزارت کشور از شیراز آمدند و قبل از اینکه رای گیری در ساعت ۹ بعد از ظهر تمام شود، صندوق های رای را مهر و موم کرده و با خود بردند. در تمام انتخابات های قبلی کمیته مرکب از نمایندگان همه جناح های سیاسی رای ها را شمرده و نتایج را مستقیماً در روستا مورد تایید قرار می دادند. تحول غیر منتظره کارکنان حوزه رای گیری را کنار زد، مثل همه جای دیگر کشور..

عصر شنبه گروه های کوچکی از معترضین به خیابان های دور و بر بازار شیراز، شهری با ۱.۵ میلیون جمعیت، ریختند و به نتایج اعلام شده به عنوان رای تقلبی اعتراض کردند. مردم حاضر نبودند باور کنند احمدی نژاد مجدداً انتخاب شده است. تظاهرات بزرگ تری در روزهای یک شنبه، دوشنبه و سه شنبه صورت گرفت که از اواخر بعد از ظهر شروع شده و تا دم صبح ادامه داشت. روستائیان باغ ایمان و سایر روستاها، از جمله چند روستا در ۶۰ کیلومتری شیراز ماشین ها را پر کرده و به این تظاهرات می آمدند.

اگرچه جمعیت شعاری از قبیل مرگ بر دیکتاتور، سر می دادند ولی بیشتر معترضین فریاد میزدند، الله اکبر، شعار توده ای انقلاب ۱۹۷۹-۱۹۷۸. در واقع در شیراز هزارها نفر روز یک شنبه به سر بام های خانه ها رفتند و چند ساعت فریاد الله اکبر سردادند.

بیشتر روستائیان طرفدار جمهوری اسلامی هستند، ولی آنها خواهان اصلاحاتی که هستند که آینده اقتصادی فرزندانشان را تامین کند. آنها در وعده های موسوی مبنی بر اجرای رفرم ها امید دیدند، هرچند خود او از نخبگان حاکم است.

ولی نخبگان حاکم در مورد اینکه ایران چگونه باید اداره شود اختلاف دارند: یک دموکراسی شفاف که در آن نمایندگان انتخابی قوانینی به نفع مردم وضع کنند یا یک دموکراسی مدیریت شده که در آن چند برگزیده همه تصمیمات را بگیرند زیرا به توده مردم اعتماد ندارند که بتوانند تصمیمات درست بگیرند.

این واقعیت ظریف در بطن سیاست ایران موجود است ولی به نظر میرسد گزارشگران غربی قادر به دیدن آن نیستند و میکوشند بحران سیاسی ایران را با توسل به کلیشه های ساده انگارانه توضیح بدهند.

در باره نویسنده مقاله
اریک هوگنند استاد رشته سیاست در کالج بیتس در ماین است و مقالات تخصصی او در ژورنال انتقادی خاورمیانه درج میشود. او در مورد مسایل روستایی ایران تخصص دارد و آخرین مقاله او تحت عنوان، سی سال انقلاب اسلامی در روستاهای ایران، در میدل ایست ریپورت شماره ۲۵۰، بهار ۲۰۰۹ به چاپ رسید.

منبع:
<http://www.zmag.org/znet/viewArticle/21813>
عکس این صفحه از سایت خبرگزاری مهر برداشته شده است. به سایر عکس ها در لینک زیر توجه کنید، چهره دانشجویی، دست ساخت جمهوری اسلامی به باج گیرهای سرمحل در دوره قاجار و مادر بزرگ های شان شباهت عجیبی پیدا کرده است.

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=901413>
۱۴ تیر ۱۳۸۸

روشنگری، ریاکاری رئیس جمهور منتصب ولایت فقیه برای جلب آرای مردم زحمتکش داستانی مربوط به گذشته است. حقیقت امروز این است که ریاکاری مزبور اکنون برای بخش بزرگی از مردم زحمتکش هم افشاء شده و آنها دریافته اند که بذل و بخشش های احمدی نژاد عمدتاً شامل آنهایی میشود که برای شلیک گلوله به سینه کسانی تربیت میشوند که به انتخاب خود رای میدهند. اریک هوگنند که خود سال ها در روستاهای ایران تحقیق کرده یک نمونه را ارائه میدهد. چنانکه در مقاله می خوانیم نتیجه گیری های او ناشی از مشاهدات عینی است و در واقع، خبر، است نه تفسیر، در تحلیل او مواضع هردو جناح رژیم را همانطور که خودشان میگویند باور کرده و نقل میکند.

رای روستاها در ایران و تقلب انتخاباتی
۲۷ ژوئن ۲۰۰۹

هم اکنون شنیدم گزارشگر CNN در تهران می گفت پایه حمایتی احمدی نژاد در مناطق روستایی است. آیا این احتمال وجود دارد که مناطق روستایی ایران که کمتر از ۳۵ درصد جمعیت کشور را در خود جای میدهند، تامین کننده ۶۳ درصد رای باشند که او مدعی است به دست آورده است؟ تحقیقات خود من در روستاهای ایران طی ۳۰ سال که شامل دوره اخیر هم میشود، این را رد میکند. من در مورد شهرهای ایران تحقیق نکرده ام، همین در مورد آن گزارشگران خارجی صادق است که در شهرهای بزرگ اروپا و آمریکای شمالی زندگی می کنند. از این رو تعجب می کنم چطور آنها میتوانند ادعای پایه حمایتی وسیع روستایی برای احمدی نژاد را اینطور با جسارت تایید کنند.

مثلاً باغ ایمان را در نظر بگیریم، روستای کوچکی با ۸۵۰ خانوار در دامنه زاگرس در حوالی شیراز در جنوب غربی ایران. بنا بر گفته دوستان نزدیک و قدیمی من که در آنجا زندگی می کنند این روستا از خشم به جوش آمده است، زیرا حداقل دو سوم تمام افراد بالای ۱۸ سال اعتقاد دارند که انتخابات اخیراً محمود احمدی نژاد از آنها دزدیده است.

وقتی صبح روز شنبه ۱۳ ژوئن خبر پخش شد که احمدی نژاد بیش از ۶۰ درصد آرای را که روز قبل به صندوق انداخته شده بود برده است، ساکنین روستا شوکه شدند. هفته قبل از رای گیری شاهد فشرده ترین کارزار انتخاباتی در تاریخ این روستا بود و کاملاً عیان بود که حمایت از میرحسین موسوی فوق العاده بالاست. حتی وقتی حامیان احمدی نژاد تلاش کردند تظاهراتی برپا کنند آنها را هوکرده و مسخره می کردند و آنها مجبور بودند در مجامع خانوادگی سرزنش را تحمل کنند. یکی از اعضای منتخب شورای ده میگفت، هیچکس جرات نداشت به یک ریاکار رای بدهد.

احمدی نژاد در باغ ایمان و بیشتر روستاهای اطراف شیراز منفور بود، عمدتاً به دلیل اینکه به وعده های اصلاحی که در کارزار انتخاباتی ۲۰۰۵ سال داده بود عمل نکرد. او تعدادی حامی داشت. بزرگان مورد اعتماد ده تعداد آنها را چنین مشخص کرده اند: ۱۰ تا ۱۵ درصد مردان

اعتصاب کارگران هفت تپه

در اعتراض به کار در شرایط بد آب و هوایی.

صبح روز جاری یکشنبه مورخ ۱۴ تیر ماه کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند.

کارگران معترض با جمع شدن درب این کارخانه خواستار تعطیل شدن کار تا زمان مساعد شدن آب و هوای منطقه شدند که با حضور نیافتن هیچکدام از مسولین معترضین، درب دفتر مدیر کارخانه تجمع کردند. در مذاکره نماینده کارگران با مدیر کارخانه وی با اشاره به اینکه خود وی هم ناچار به حضور در سر کار است افزود لازمه تعطیل شدن کارخانه دریافت دستور از مراجع بالا تر است اما نامی از مرجع و یا مراجع بالاتر نبرد. کارگران معترض بعد از تجمع ۳ ساعته به سر کار خود باز گشتند و کارخانه به روال عادی خود بازگشت. از صبح امروز گرد و غبار تمامی خوزستان و شهرستانهای اطراف همچون شیراز، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد را در بر گرفته است که میزان غلظت آن به بیش از ۱۵ درصد از حد مجاز رسیده و شعاع دید را به کمتر از ۶۰ متر رسانده است. صبح روز جاری یکشنبه مورخ ۱۴ تیر ماه کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند. کارگران معترض با جمع شدن درب این کارخانه خواستار تعطیل شدن کار تا زمان مساعد شدن آب و هوای منطقه شدند که با حضور نیافتن هیچکدام از مسولین معترضین، درب دفتر مدیر کارخانه تجمع کردند. در مذاکره نماینده کارگران با مدیر کارخانه وی با اشاره به اینکه خود وی هم ناچار به حضور در سر کار است افزود لازمه تعطیل شدن کارخانه دریافت دستور از مراجع بالا تر است اما نامی از مرجع و یا مراجع بالاتر نبرد. کارگران معترض بعد از تجمع ۳ ساعته به سر کار خود باز گشتند و کارخانه به روال عادی خود بازگشت. از صبح امروز گرد و غبار تمامی خوزستان و شهرستانهای اطراف همچون شیراز، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد را در بر گرفته است که میزان غلظت آن به بیش از ۱۵ درصد از حد مجاز رسیده و شعاع دید را به کمتر از ۶۰ متر رسانده است.

خرداد خونین، اسامی ۳۴ کشته و

۷۰۰ نفر از بازداشت شدهگان

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

آنچه در پی می آید، گزارش تفصیلی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران در خصوص رویدادها، نقض حقوق بشر و اقدامات دستگاه امنیتی پس از انتخابات در محدود زمانی ۲۲ خردادماه تا ۱۲ تیرماه سال ۱۳۸۸ است.

این گزارش ضمن ارائه تعاریف کلی از انتخابات و معیارهای انتخابات سالم، به بررسی اعتراضات مردمی و خشونت نیروهای نظامی میپردازد، مجموع گزارشات کلی از بازداشت‌های جمعی افزون بر سه هزار شهروند، ارائه آمار از ۳۴ جان باخته خشونت‌های اخیر و همچنین مشخصات ۷۰۰ بازداشت شده قسمتهای دیگر این گزارش را تشکیل می دهد.

انتخابات: انتخابات در واقع سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته ای است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و زمانی محدود و معین صورت می گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد و یا موضوع و مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می شود. اجرا و انجام این سلسله اقدامات و عملیات که منتج به این نتیجه گردد، اصطلاحاً برگزاری انتخابات نامیده می شود. در همین رابطه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، در تاریخ جمعه، ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ خورشیدی، برابر با ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ میلادی، برگزار شد.

معیارهای انتخابات آزاد

حق حاکمیت در هر کشور تنها می‌تواند برآمده از خواست مردم آن کشور باشد که در انتخابات راستین، آزاد، و منصفانه - که بطور دوره‌ای برگزار می‌شود - و مبتنی بر حق رأی همگانی، برابر، و مخفی است بیان می‌گردد.

حقوق انتخاباتی: هر شهروند بزرگسال این حق را دارد که:

- در انتخابات، بدور از هرگونه تبعیض، رأی بدهد
- به یک پروسه‌ی نام نویسی کارآمد، بیطرف، و بدور از تبعیض دسترسی داشته باشد.
- در صورت سلب حق رأی باید بتواند به یک سیستم رسیدگی به شکایات دسترسی داشته باشد.
- دسترسی برابر و موثر به حوزه‌ی رأی گیری موجود باشد.
- رأی هر فرد باید وزنی برابر با رأی دیگری داشته باشد.
- حق رأی دادن بطور مخفی بلاشرط است و نمی‌باید بهیچوجه محدود گردد.

حقوق کاندیداتوری - هر کس حق دارد در اداره‌ی کشور خویش مشارکت داشته باشد و می‌باید از امکان برابر برای کاندیدا شدن در انتخابات برخوردار باشد.

- هر کس حق دارد برای کارزار انتخاباتی به عضویت حزب یا سازمانی سیاسی درآید، یا همراه با دیگران حزب یا سازمانی سیاسی را بوجود آورد.

- دسترسی برابر به رسانه‌ها - بویژه رسانه‌های اطلاع رسانی جمعی
- امنیت جانی و مالی کاندیداها می‌باید پذیرفته شده و تأمین گردد،
- برخورداری از حمایت قانون و جبران حقوق نقض شده هر کاندیدا در جریان انتخابات - در صورت وجود شکایت، دسترسی به یک هیئت رسیدگی که هم توانایی بررسی چنین تصمیماتی را دارد و هم بتواند اشتباهات را بلافاصله و بطور واقعی تصحیح نماید.
- کاندیداها باید حقوق و آزادی‌های دیگران را محترم شمارد.
- کاندیداها باید نتیجه‌ی انتخابات آزاد و منصفانه را بپذیرد.

اعلام نتایج و آغاز اعتراضات در ایران: در پی اعلام نتایج دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران و اعلام پیروزی دوباره محمود احمدی‌نژاد که از سوی برخی از تحلیل‌گران سیاسی به‌عنوان کودتا نامیده شد، تظاهراتی در خیابان‌ها و میدان‌های تهران و همچنین شهرهای دیگر ایران، توسط هزاران تن از معترضان به نحوه شمارش آرا و حامیان میرحسین موسوی، رقیب اصلی احمدی‌نژاد در انتخابات، در تاریخ ۲۳ خرداد به راه افتاد. این اعتراضات که روزهای بعد نیز ادامه یافت با برخورد نیروهای پلیس ضد شورش و حامیان شبه‌نظامی حکومت در سپاه و بسیج روبرو شد؛ به‌طوری‌که شدت آن در تهران در دهه گذشته بی‌سابقه بود. در روز ۲۵ خرداد، حدود ۳ میلیون نفر از معترضان با حضور میرحسین موسوی، محمد خاتمی و مهدی کروبی در راهپیمایی بزرگی در خیابان‌های مرکزی تهران از میدان امام حسین تا میدان آزادی شرکت کردند که به بزرگترین راهپیمایی ضد دولتی از زمان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بدل شد.

* پیوندها *

سرمدبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.

دامنه اعتراضات به نتایج انتخابات به شهرهای دیگری همچون اصفهان، شیراز، اراک، ارومیه، گرگان، مشهد، اهواز، کرمانشاه، رشت، انزلی، تبریز، بندرعباس، آمل، یزد، زاهدان نیز گسترش یافت و مکرراً خیابانها و میدانی اصلی این شهرها صحنه اعتراضات و زد و خورد نیروهای شبه نظامی و انتظامی با مردم بود، در این رهگذر هزاران شهروند معترض بازداشت و صدها تن کشته و زخمی شدند.

نیروهای نظامی و به خصوص شبه نظامی موسوم به بسیج یا لباس شخصی با خشونت بی حد و حصری عملاً اصول اساسی قوانین جاری همچون اصل ۲۷ قانون اساسی را زیر پا گذارده و کمترین اعتراض مسالمت آمیز را با خشونت پاسخ گفتند، ابعاد دهشتناک خشونت ها اعتراضات جهانی را برانگیخت.

قطع شبکه های ارتباطی و ممانعت از اطلاع رسانی همزمان با آغاز رای گیری در ایران و قطع سرویس پیام کوتاه اختلال در ارتباط گیری و اطلاع رسانی آغاز شد و با اوج گرفتن اعتراضات اجتماعی در ایران دامنه بی سابقه ای یافت.

پیامک: سرویس ارسال پیامک از شب قبل از انتخابات ۲۲ خرداد از کار افتاد. شهروندان ایرانی که تا قبل از آن و در زمان تبلیغات انتخابات آمار ارسال پیام کوتاه شان به رقمی در حدود ۱۰۰ میلیون پیامک در روز رسیده بود، درست از شب قبل از انتخابات با قطع این سرویس خدماتی از سوی شرکت مخابرات ایران مواجه شدند. البته وزارت مخابرات بسیار با تاخیر اعلام کرد که این مساله مشکل فنی است و ربطی به مساله انتخابات و وقایع بعد از آن ندارد، اما آن چیزی که همه گمان بر آن اتفاق نظر داشتند همین ربط این موضوع به مساله مخابرات بود. با توجه به اعتراضات گسترده سرانجام این سرویس از روز ۱۰ تیرماه بعد از تاخیر انتخابات توسط شورای نگهبان وصل شد که در اقدامی عجیب هر پیامک ارسالی تا چند مرتبه تکرار می شود و بعضی تحلیل گران بر این باورند این اقدامی است برای جبران خسارت هیجده روز قطعی این سرویس درآمد زا.

موبایل: تلفن های همراه هم مشکلی همچون سرویس پیامک داشتند.. با شروع گسترده اعتراضات میلیونی مردم ایران و حضور آنان در خیابانها مخابرات به طور کامل همه تلفن های همراه ایرانیان را از کار انداخت. مساله ای که در مورد آن هیچگونه اظهار نظری از سوی دولت مطرح نشد و آن ها از پاسخ گویی از آن تا کنون سر باز زده اند. در تمامی تجمعاتی که مردم ایران در خیابانها برگزار می کردند تلفن های همراه قطع می شد. بسیاری بر این عقیده اند که این موضع به خاطر جلوگیری از گزارش دهی و اطلاع رسانی از اعتراضات مردمی ایران صورت گرفته است. حتی در تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان هر شهروندی که در حال صحبت با موبایل بوده است یا بازداشت شده یا مورد ضرب و شتم و برخورد توهین آمیز مأمورین لباس شخصی قرار گرفته است. البته دامنه قطعی تلفنی در روزهای اخیر و در محل تجمعات به تلفن های ثابت نیز کشیده شد.

اینترنت و فیلترینگ: در حالی که در شب ۲۲ خرداد شمارش آرا آغاز شده بود و تلفن های همراه و سرویس پیامک از کار افتاده بود و فعالین سیاسی و مدنی یک به یک بازداشت می شدند، بسیاری از سایت های خبری و وبلاگ ها به محاق فیلتر رفتند و در عرض یک شب صدها سایت و وبلاگ از سوی کمیته فیلترینگ مورد فیلتر قرار گرفت، سایت های حامی مهدی کروبی و میرحسین موسوی و محسن رضایی و وبلاگ های هواداران آن ها اولین پایگاه های اینترنتی بودند که فیلتر شدند و از دسترس همه گان خارج شدند. قلمنویز، آینده نویز، سحام نیوز، عصر ایران، سایت شخصی محسن رضایی از جمله سایت هایی بودند که مورد فیلترینگ قرار گرفتند. شبکه های اجتماعی که با توجه به بازداشت گسترده روزنامه نگاران و توقیف مطبوعات و فیلترینگ به محلی مهم برای اطلاع رسانی قرار گرفته بودند نیز فیلتر شدند. یاهو مسنجر، فیس بوک، توئیتر و یوتیوب از این دست شبکه ها بودند. همزمان با این فیلترینگ گسترده سرعت اینترنت نیز در ایران به شدت کاهش پیدا کرد و پهنای باند اینترنت در ایران بسیار کم شد. در این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قالب شبکه ای گرداب دست به انتشار بیانه هایی تهدیدآمیز نسبت به کسانی که مشغول اطلاع رسانی و بیان رویدادها بودند پرداخت و حتی در بیانه هایی عجیب از کار افتادن بسیاری از سایت ها را به سرویس دهنده گان آمریکایی نسبت داد.

حملات اینترنتی: با شروع فیلترینگ در ایران و بستن راه های اطلاع رسانی حملات اینترنتی به پایگاه های خبری از سوی فیلتر کننده گان در دستور کار قرار گرفت. شدت حملات این گروه به قدری زیاد بود که بسیاری از سایت های اینترنتی از کار افتاد و کسی نمی توانست از آن ها استفاده کند. در پی این اقدام مردم معترض به نتیجه ای انتخابات دست به اقدام متقابل زدند و خیرگزارهای همسو با دولت که از بودجه عمومی استفاده می کنند همچون فارس و ایرنا را مورد هدف قرار دادند. وبسایت هرانا خیرگزار می مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از جمله سایت های بود که مورد حمله قرار گرفت و هک شد.

توقیف و سانسور نشریات: محدودیت رسانه ای در همه ای ابعاد آن از شب ۲۲ خرداد آغاز شد. توقیف و سانسور مطبوعات هم از مهم ترین مسائل دنبال شده از سوی دولت بود. توقیف روزنامه ای کلمه سبز و سانسور دیگر مطبوعات و فشار بر روی آن ها روزنامه نگاران شان از جمله اقدامات انجام شده از سوی دولت بود. حتی روزنامه ای اعتماد ملی ارگان حزب اعتماد ملی و کربوبی یکی از کاندیدهای اصلاح طلب فردای انتخابات صفحه ای اول خود را سفید گذاشت و دلیل آن را عدم اجازه ای برای منتشر کردن بیانه ای کروبی در مورد نتایج انتخابات عنوان کرد. بازداشت روزنامه نگاران از همان شب ۲۲ خرداد آغاز شد و ده ها روزنامه نگار و خبرنگار بازداشت و روانه زندان شدند. احمد زیدآبادی، محمد قوچانی، کامبیز نوری، عبدالرضا تاجیک، مهسا امرآبادی، کیوان صمیمی بهبهانی، بهزاد باشو، سید خلیل میراشرقی، مصطفی قوآنلو قاجار سمیه توحدیلو، محمد عطریانفر، شکوفه آذر سعید لیلان، محمد قوچانی، علی مزروعی، ژیلای بنی یعقوب، بهمن احمدی امویی از جمله روزنامه نگاران هستند که بازداشت شده اند. این مسئله تا آنجا گسترش یافت که سازمان گزارشگران بدون مرز ایران را بزرگترین زندان روزنامه نگاران در جهان عنوان کرد.

اختلال در تماس های برون مرزی: با توجه به سیاست عدم اطلاع رسانی وقایع جاری در ایران از سوی دولت در تماس های برون مرزی هم شهروندان ایرانی با مشکل مواجه بودند و شاهد اختلال های وسیع در ایران. کسانی هم که با ایران تماس می گرفتند و یا بالعکس در بسیاری موارد موفق به ایجاد این ارتباط نمی شدند.

اخراج روزنامه نگاران خارجی و محدودیت سایرین در همان روزهای اول بعد از ۲۲ خرداد خبرنگاران خارجی تهدید به خروج از ایران شدند و به آن ها گفته شد که هر چه سریع تر از ایران خارج شوند. تا کنون دو تن از خبرنگاران خارجی بازداشت و روانه زندان هم شده اند. این دو از روانه ای واشنگتن تایمز و هفته نامه نیوزویک بوده اند. بسیاری از آنان بعد از خروج از کشور افشا کردند که تهدید جانی شده بودند که اخبار غیر واقعی از ایران منتشر کنند. دولت در طی روزهای اخیر بسیاری از رسانه های خارج از ایران را به دخالت داشتن در آن چیزی که اغتشاش های ایران می خواند متهم کرده است. این در حالی است که آنان هر گونه راه اطلاع رسانی صحیح برای ایرانیان و جهانیان را بسته است و سعی در بستن راه های پیش تری دارند.

حمله به دانشگاهها: پس از اعلام نتایج انتخابات، همزمان با موج اعتراضات خوجوش مردمی در تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور، اعتراضات دانشجویی-مردمی در دانشگاه های مختلف کشور آغاز شد. همزمان نیروهای امنیتی و انتظامی نسبت به سرکوب جامعه معترض دانشجویی در سراسر کشور اقدام نمودند. در این رهگذر سه برخورد خونین با دانشجویان صورت گرفت.

کوی دانشگاه صنعتی اصفهان: در پی اعتراض جمع کثیری از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان به نتایج انتخابات در اواخر روز ۲۳ خرداد و اوایل بامداد ۲۴ خرداد نیروی انتظامی با ارسال تعداد زیادی از نیروهای ضد شورش مباردت به ضرب و شتم شدید دانشجویان نمود. در این اقدام صدها نفر از دانشجویان به شدت زخمی شدند و وسائل شخصی آنها توسط مهاجمین تخریب شد. همچنین ۱۴۰ نفر بازداشت. در پی این حوادث شورای دانشگاه امتحانات را به مدت ۱۷ روز به تعویق انداخت. گفتنی است رئیس دانشگاه خسارت وارد شده را حدود بیست و پنج میلیارد ریال اعلام کرده است.

کوی دانشگاه تهران: نیروهای پلیس و لباس شخصی در تاریخ ۲۵ خردادماه به کوی دانشگاه تهران یورش برده و به ضرب و شتم شدید و مجروح کردن دانشجویان پرداختند. در جریان تلاش نیروهای انصار حزب الله و گارد ویژه برای ورود به کوی دانشگاه تهران، بیش از پانزده نفر از دانشجویان تنها به علت اصابت گلوله به شدت مجروح شدند. پس از آن با حمله نیروهای لباس شخصی و انصار حزب الله به تجمع دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران، دانشجویان ساکن کوی در اثر اصابت گلوله، زنجیر، چاقو، باتوم و چماق به شدت مجروح شدند. نیروهای امنیتی که دور تا دور کوی را از شب تحت اختیار داشتند، چند بار برای ورود به کوی تلاش کردند که این تلاش با مقاومت دانشجویان ناکام مانده بود. اما پس از آغاز حمله نیروهای امنیتی به کوی دانشگاه که با پرتاب نارنجک صوتی، گاز اشک آور و تیراندازی زمینی به تمام درهای کوی دانشگاه همراه بود، توانستند وارد کوی دانشگاه شوند و

کوی دانشگاه شیراز: کوی دانشگاه شیراز نیز در روز ۲۵ خردادماه مورد حمله قرار گرفته بود که به گفته منابع دانشجویی به قتل چند دانشجو و مفقود و بازداشت شدن صدها دانشجوی دیگر انجامید. در این حمله خسارات هنگفتی به خوابگاه های دانشجویان و دانشگاه وارد شد.

سایر دانشگاهها: دانشگاه نوشیروانی بابل، دانشگاه مازندران، دانشکده نفت اهواز، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه زاهدان، دانشگاه بوعلی همدان، دانشگاه تبریز منجمه دانشگاه های دیگر در کشور هستند که صحنه اعتراضات دانشجویی و برخوردهای امنیتی

با آنان بود، لازم به ذکر است کماکان در بعضی از دانشگاههای مورد اشاره همچنان دانشجویان بازداشتی یا تحت پیگرد وجود دارد.

برخوردها / امرا

اعتراف گیری و پخش

تا کنون اعترافات دو روزنامه نگار به نامهای امیر حسین مهدوی و مازیار بهاری (خبرنگار ایرانی کانادایی شبکه چهار انگلیس و نیوزویک) به صورت عمومی منتشر شده است.

نظر به سوابق دستگاه امنیتی در ایران و مدعیات افرادی که پیش تر اعترافات به شکل مذکور از آنان منتشر شده بود و تاکید بر اینکه تحت فشار و شکنجه مجبور به اعترافات غیر حقیقی شده بودند، سازمانهای مدافع حقوق بشر نسبت به خطر شکنجه زندانیان برای اخذ اعترافات غیر حقیقی هشدار داده اند.

منابع مطلع از فشار و شکنجه فعالان برجسته اصلاح طلب ایران به قصد اخذ اقرار غیر واقعی خبر می دهند و عنوان می دارند به زودی این سناریو قربانیان بیشتری خواهد گرفت.

برخوردهای فله ای و جمعی: مهمترین برخوردها و بازداشت های جمعی به روایت اسناد را میتوان به شرح ذیل اعلام کرد :

۲۳ خرداد - در حمله به خواب گاه های دانشگاه صنعتی اصفهان: نیروهای یگان ویژه و انصار حزب الله، بیش از ۶۰ نفر از دانشجویان را بازداشت و توسط دو دستگاه اتوبوس به مکان نامطمونی منتقل کردند.

۲۴ خردادماه - سردار احمدرضا رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد ۱۷۰ نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراض دستگیر شده اند و تعدادی از طراحان اصلی تحت تعقیب هستند.

۲۵ خردادماه- نیروهای نظامی و امنیتی به تجمع مردم در زاهدان حمله کرده و دهها نفر را بازداشت کردند.

۲۵ خردادماه- بنا به اخبار رسیده از تبریز نیروهای امنیتی روز دوشنبه ۲۵ خردادماه با مراجعه به خوابگاه های دانشجویان دختر و پسر داخل دانشگاه تبریز حدود ده تن از دانشجویان این دانشگاه را بازداشت و با مینی بوسی به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

۲۶ خردادماه - بیش از ۱۵۰ دانشجوی متحصن دانشگاه مازندران توسط نیروهای امنیتی با شتم و بازداشت شدند. نیروهای بسیج و مامورین امنیتی لباس شخصی مسلح به باتوم، قهقه و چوب دستی به تابلو به دانشگاه حمله می کردند.

۲۷ خردادماه - یحیی میرزا محمدی دادستان تبریز اعلام کرد: ۵۰ الی ۶۰ نفر از مردم شرکت کننده در راهپیمایی به اتهام اخلاف در نظم عمومی تجمع غیر قانونی و برهم زدن نظم توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

۲۷ خردادماه - محمدرضا حبیبی دادستان اصفهان گفت : ۲۰۰ نفر از مردم شرکت کننده در اعتراضات توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

۲۷ خردادماه - جعفر گل محمدی دادستان زنجان گفت : ۳۰ نفر از مردم شرکت کننده در اعتراضات توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

۲۷ خرداد - بر اثر تیراندازی مامورین امنیتی به راهپیمایی اعتراض مردم در اصفهان ۴۵ نفر مجروح و یک نفر بنام " حسین الف " کشته شد. مجروحان به علت اصابت ساچمه و باتوم که اکثرا به چشم و یا سر آنها اصابت کرده، در بیمارستان شریعتی بستری می باشند.

۲۷ خردادماه - در جریان حمله به کوی دانشگاه تهران ۲۰۰ دانشجوی بازداشت شده اند. یک مقام دانشگاه تهران به خبرگزاری مهر گفته است که ۸۰ تن از این دانشجویان آزاد شده اند.

۲۸ خردادماه - گزارش های رسیده از شهر تبریز نیز از بازداشت بیش از ۱۰۰ نفر از شخصیت های برجسته مدنی این شهر خبر می دهد.

۲۸ خردادماه - ایستنا از بازداشت هفت نفر در تجمعات اخیر زنجان خبر داده است. جعفر گل محمدی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان به ایستنا گفته است که در طول هفته گذشته ۲۳ نفر دستگیر شده بودند که اکثر آنها با اخذ تعهد آزاد شده اند.

۲۸ خردادماه - گزارش ها حاکی از بازداشت ۲۰ دانشجو در همدان است. یک عضو کمیته روابط عمومی ستاد دانشجویی کل کشور مهدی کروب، این خبر را تأیید کرده است.

۲۸ خردادماه- در جریان اعتراضات روز سه شنبه دانشجویان دانشگاه مازندران در حدود ۱۰۰ دانشجو بازداشت شدند. گفته می شود ۱۱ دانشجو این دانشگاه همچنان در بازداشت هستند.

۲۹ خردادماه - امیرالله شمعقوری سرپرست معاونت امنیتی و انتظامی استانداری خراسان رضوی اعلام کرد : ۸۶ نفر از مردم شرکت کننده در راهپیمایی اعتراض توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

۲۹ خردادماه - ۱۵۰ دانشجوی دانشگاه سمنان پس از تجمع اعتراضی بازداشت شدند.

۲۹ خردادماه - نبیچ الله خدانیان رئیس کل دادگستری استان لرستان اعلام کرد : تعدادی از مردم شرکت کننده در راهپیمایی اعتراضی توسط مامورین اداره اطلاعات و نیروی انتظامی در خرم آباد بازداشت شدند.

۳۱ خردادماه - سردار احمدرضا رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد: ۵۷ نفر از شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی روز ۳۰ خرداد دستگیر شده اند و تعدادی از طراحان اصلی تحت تعقیب هستند.

۳۰ خردادماه - فرمانده کل ناچا از زخمی شدن ۴۰۰ پرسنل خود در طی درگیریها تا تاریخ ۲۹ خرداد خبر داد

۳۱ خردادماه - سردار احمد رضا رادان معاون فرماندهی نیروی انتظامی خبر کشته شدن ۱۰ نفر و مجروح مصدوم شدن ۱۰۰ نفر را تأیید کرد.

۱ تیرماه - نیروهای امنیتی با حمله با دفتر روزنامه کلمه سبز، به صاحب امتیازی میرحسین موسوی ۲۵ نفر از کارکنان این روزنامه را بازداشت کردند.

۳ تیر - عصر امروز مهندس میرحسین موسوی جلسه ای با اساتید عضو انجمن اسلامی مدرسان دانشگاه های کشور داشت که بعد از این دیدار ۷۰ نفر از افراد حاضر در جلسه دستگیر شدند.

۴ تیرماه : فرمانده سپاه سیدالشهدای استان تهران: قریب به ۳۰۰ نفر از جان برکفان بسیجی به شدت زخمی شدند و هم اکنون در بیمارستان ها در حال مداوا هستند و ۸ نفر از بسیجیان قهرمان نیز در این حادثه تلخ به درجه رفیع شهادت نائل شدند

۶ تیرماه - بیش از ۲۰ نفر از زنانی که روز گذشته، ششم تیرماه در اعتراض به بازداشت های اخیر و خشونت های اعمال شده علیه معترضان، در پارک لاله تهران گرد هم آمده بودند، از سوی نیروی انتظامی دستگیر شدند.

۱۰ تیرماه - فرمانده نیروی انتظامی روز چهارشنبه اعلام کرد که در رویدادهای پس از انتخابات ۱۰۳۴ نفر به دست نیروهای ناچا دستگیر شده اند و دیگر دستگیری ها از سوی بسیج و نیروهای اطلاعات بوده است.

۹ تیر - دادستان اصفهان از آزادی ۲۸۰ نفر از بازداشت شدگان در ناآرامی های اخیر خبر داد. محمدرضا حبیبی در گفت و گو با خبرنگار حقوقی ایستنا، اظهار کرد: حدود ۲۸۰ نفر که دارای اتهام اخلاف در نظم عمومی بودند با اخذ تامين مناسب آزاد شدند.

۱۰ تیرماه - فرمانده ناچا کشته شدن ۲۰ نفر را که وی آنها، اغتشاشگر، پخواند تأیید کرد.

جان باختگان غیر نظامی: به دلیل شرایط امنیتی و معانیت دولت از گردش آزاد اطلاعات و همچنین گستردگی بی سابقه نقض حقوق بشر در ایران در طی روزهای اخیر، عملا امکان ارائه لیست و آمار جامع و مستدل در خصوص جان باختگان و قایع اخیر وجود ندارد، اما منابع دولتی بر اساس اعلامیه های مختلف حداکثر جان باختگان را ۲۰ شهروند و ۸ شبه نظامی (بسیجی) عنوان داشته اند اما منابع غیردولتی این آمار را تا ۲۱۰ شهروند عنوان می نمایند.

اکثر خانواده های جان باختگان برای برگزاری مراسم ترحیم و تدفین با محدودیتهای عیدیه ای از سوی نهادهای امنیتی روبه شدند و در بعضی از موارد گزارش شده است برای تحویل دادن جسد از خانواده های داغدار طلب پول شده بوده است. دولت و نهادهای مربوطه برای پیگرد عوامل دخیل در کشتار مردم بی دفاع اقدام مثبتی را سامان ندادند و کشته شدگان را اغتشاشگر خواندند. لیست اسامی جان باختگان و بازداشت شدگان را میتوان در سایت روشنگری ملاحظه نمایند.

..... به همه افراد سازمان های پیشرو و مدافع حقوق بشر

اعتراض نامه زیر را شماری امضاء کرده اند که گزیده ای از نام هایشان ضمیمه است. ما از همه کسانی که خود را در همسویی با این اعتراض می بینند، تقاضا داریم آن را امضاء کنند. برای این کار می توانید به وبسایت های زیر مراجعه کنید:

<http://www.iran-bulletin.org> , <http://www.ipetiions.com/petition/iran-protest/>

مردم ایران که در هفته های گذشته با شجاعتی سترگ در برابر سرکوب های جاری به مقاومتی قهرمانانه برخاسته اند ، حمایت گسترده از همه آزادی خواهان جهان را انتظار دارند.

سر دبیران فوروم چپ خاورمیانه - (ایران بولتن سابق)

اعتراض علیه سرکوب در ایران

در هفته های اخیر جهان شاهد سرکوب های گسترده و وحشیانه اعتراضات صدها هزار نفری مردم ایران بوده است ؛ اعتراضاتی که علیه تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ماه ژوئن آغاز شده اند.

استبداد مذهبی حاکم بر ایران به جوانان ، دانشجویان ، کارگران ، اقلیت های قومی ، فعالان اجتماعی ، حقوق دانان ، روزنامه نگاران ، هنرمندان و نویسندگانی که در تهران ، تبریز ، اصفهان ، شیراز و صدها شهر بزرگ و کوچک به اعتراض برخاسته اند ، با گلوله و باتوم جواب می دهد. بسیاری کشته و هزاران نفر زخمی شده اند ، و چندین هزار نفر دستگیر شده و زیر شکنجه قرار گرفته اند. نیروهای پلیس ، بسیج و سپاه به خانه ها و مغازه ها یورش می آورند و ماشین ها را خرد می کنند.

ما امضاء کنندگان زیر همبستگی قاطع مان را با مردم ایران در پیکار شان برای دموکراسی و آزادی اعلام می کنیم ؛ توحش رژیم ایران را شدیداً محکوم می نمایم ؛ و خواهان توقف فوری هر نوع اقدام خشونت بار علیه تظاهر کنندگان و آزادی همه دستگیر شدگان هستیم. ما از همه افراد و سازمان های پیشرو و مدافع حقوق بشر در چهار گوشه جهان تقاضا داریم که صدای شان را برای محکوم کردن اقدامات چنایتکارانه رژیم ایران علیه مردم این کشور بلند کنند. ژوئن ۲۰۰۹ فهرست نام بخشی از امضاء کنندگان ؛ این لیست را میتوان در سایت <http://www.rahekarqar.de> و در سایت خبری راه کارگر ملاحظه نمایند.